

معاشیر
جماعت

یا

قدیرن مسیح فارس

نخارش

علی تقی مجتبیٰ

در جامع عتیق که ایزد دری ز خلد
در وی گشوده، کسب سعادت کن و کمال



دور نمای مسجد جامع عتیق که خدا یخانه در وسط
و گنبد شاهچراغ و سید میر محمد (ع) در آن دیده میشود



نشریه شماره ۱۴

کانون دانش‌پارس

معاشیه جماعتیه

یا

قدیمترین مسجد فارس

نخاستگاه

علی‌نقی بهروردی

چاپ موسوی - شیراز

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
ج	۱ - فهرست مندرجات
د	۲ - فهرست گراورها
و	۳ - دیباچه
۱	۴ - توجه مردم قدیم باحداث معابد
۱۷	۵ - جامع عتیق شیراز
۲۱	۶ - شرح حال فرصت الدوله
۳۱	۷ - شرح حال حاج میرزا حسن فسائی
۳۲	۸ - شرح حال جناب آقای حکمت
۴۲	۹ - تعمیرات مسجد در عرض هزار سال
۵۱	۱۰ - کریم خان زند و مسجد جمعه
۵۱	۱۱ - شرح حال کریمخان زند
۵۴	۱۲ - آخرین تعمیرات
۵۶	۱۳ - شرح حال مرحوم آیت الله حاج شیخ یوسف حدائق
۵۷	۱۴ - شرح حال آیت الله آقای حاج سید عبدالحسین دستغیب
۶۰	۱۵ - شبستان بزرگ جدید
۶۲	۱۶ - خدایخانه یا دارالمصحف
۶۶	۱۷ - شرح حال شاه شیخ ابواسحاق
۷۶	۱۸ - شرح حال آقای واجد

- ۱۹- کتابخانه مسجد جامع عتیق ۸۲
 ۲۰- پیشنهاد ۸۳
 ۲۱- خاتمه ۸۴
 ۲۲- شرح حال آقای علی سامی ۸۴
 ۲۳- شرح حال آقای فریدون توللی ۸۶
 ۲۴- یاد بود آغاز دهمین سال کانون دانش پارس ۸۹

فهرست گراورها

- ۱- عکس مؤلف ح
 ۲- مسجد جامع و خدایخانه ۱۹
 ۳- منبر چهارده پله ۲۰
 ۴- فرصت الدوله ۲۱
 ۵- سنگاب مسجد جامع ۲۶
 ۶- محراب قدیمی مسجد جمعه ۲۹
 ۷- خدایخانه و حوض جلو آن ۳۶
 ۸- محراب مسجد جمعه ۳۹
 ۹- کتیبه خط ثلث قدیمی ۴۳
 ۱۰- کتیبه سردر غربی - قسمت اول ۴۵
 ۱۱- کتیبه سردر غربی - قسمت وسط ۴۶
 ۱۲- کتیبه سردر غربی - قسمت آخر ۴۷
 ۱۳- سردر دوازده امام ۴۸

- ۵۲ ۱۴- طاق مسجد وکیل
- ۵۵ ۱۵- نمونه ویرانی سابق مسجد جمعه
- ۵۶ ۱۶- مرحوم آیت الله حاج شیخ یوسف حدائق
- ۵۷ ۱۷- آیت الله آقای حاج سید عبدالحسین دستغیب
- ۵۹ ۱۸- طاق شمالی مسجد جمعه
- ۶۲ ۱۹- خدایخانه
- ۶۵ ۲۰- یکی از مناره های خدایخانه
- ۶۷ ۲۱- نمای غربی خدایخانه
- ۶۹ ۲۲- صفحه ای از سی پاره اولی
- ۷۰ ۲۳- صفحه دیگری از سی پاره اولی
- ۷۱ ۲۴- وقف نامه سی پاره اولی
- ۷۲ ۲۵- صفحه ای از سی پاره دومی
- ۷۳ ۲۶- صفحه دیگری از سی پاره دومی
- ۷۴ ۲۷- وقف نامه از سی پاره دومی
- ۷۶ ۲۸- آقای واجد
- ۷۸ ۲۹- نمونه کتیبه اطراف خدایخانه
- ۸۰ ۳۰- در منبت کاری خدایخانه
- ۸۵ ۳۱- آقای علی سامی
- ۸۶ ۳۲- آقای فریدون توللی
- ۸۷ ۳۳- آقای جلال الدین پیرزاده

دیبایچه

« بنام آنکه هستی ، نام از او یافت »

« فلك جنبش ، زمین آرام از او یافت »

« نظامی »

ایمان پاك و معتقدات دینی و مذهبی محکمی که از موارثت خانوادگی ماست و از اوان کودکی در نهاد من جایگزین گردیده ، مرا بکلیه مظاهر دینی و مذهبی و هر چه نامی از « پروردگار بزرگ » داشته باشد علاقمند و پای بند ساخته است .

به همین سبب در ضمن مطالعات کتب تواریخ و تذکره ها ، بآنچه مربوط بعلماء و دانشمندان ، فقها و عرفا بوده ، توجه زیادتیری داشته ام و در خارج نیز بمشاهده مساجد و مدارس بیشتر راغب بوده و مخصوصاً مایل بوده ام که تاریخچه مساجد و کتیبه های آنها را خوانده و یا ضبط کنم .

در میان مساجد و مدارس قدیمه زیاد شیراز « مسجد جامع عتیق » که آنرا « مسجد جهه » هم گویند مقام خاصی دارد زیرا که قدیمترین

مسجد جامع بزرگی است که در فارس بنا شده و شهرت عالمگیر آن در اقطار عالم رفته است و علماء و خطباء، فقها و مجتهدین، عرفاء و مدرّسین بزرگی در آن مدرّس و منیر و محراب داشته اند و هم معروف است که: این مسجد هیچگاه از وجود اولیاء الله خالی نبوده و نخواهد بود. نهضت بزرگی که از بیست و پنجسال باینطرف، چه از طرف اداره باستانشناسی فارس و چه از طرف علماء و مردم با ایمان شیراز برای تعمیر و مرمت این مسجد شریف بوجود آمده و خوشبختانه آنرا از حالت ویرانی بصورت يك مسجد آباد و مهمی در آورده و مخصوصاً کوشش بسیار و علاقمندی و افریکه عموم طبقات برای احیاء این مسجد تاریخی و باستانی بکار برده و میبرند مرا بر آن داشت که تاریخچه بناء و تعمیرات و تحولاتی را که این مسجد در عرض مدت «یکهزار و یکصد سال» که از تاریخ آن میگذرد دیده، مورد تحقیق و تتبع دقیق قرار دهم.

از اینرو از دهسال پیش با حوصله و دقت بسیار مجاهده بکار برده و در اطراف تاریخچه و تعمیرات و کتیبه های آن تحقیق و تتبع کردم و اکنون نتایج زحمات این مدت مدید خود را بصورت این کتاب و بعنوان «چهاردهمین نشریه کانون دانش پارس» چاپ و انتشار میدهم.

بسیار خرسند و مسرورم که نشر این کتاب با بزرگترین و مقدسترین اعیاد عالم تشیع که «میلاد مـهـود مولای متقیان حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام» است و همچنین «آغاز دهمین سال تأسیس



انجمن علمی و ادبی کانون دانش
پارس» و «یکهزار و یکصدمین
سال ساختمان مسجد جمعه»
مصادف گردیده است.

امید است که این کتاب در محضر
علماء و دانشمندان و طبقات مختلفه
حسن قبول یابد و پیاداش زحماتی
که در راه نگاشتن آن متحمل
شده‌ام، مرا پندای خیری یاد فرمایند.

علی آقی - بهروزی

شیراز - ۱۳ رجب ۱۳۸۱ ه. ق.

مطابق - آغاز دیماه ۱۳۴۰ ه. ش.

توجه مردم قدیم باحداث معابد

در دنیای قدیم بیش از هر چیز برای استحکام و زیبایی و شکوه پرستشگاهها اوقات و مصالح و مخارج فراوانی مصرف میکردیده است خانه شخصی و فردی موقتی و از خشت و گل میتوانسته بنا شود و رفع احتیاج چندروزه عمر کوتاه بشر را بنماید ولی خانه خدایان، که عمر جاودانی داشته اند میبایستی جاودانی و عمومی و همیشگی باشد. بنابراین از مصالح بادوام چون سنگ و آجر بنیان گذاری میشده و حتی بعد از احداث معابد توجه مردم به ایجاد کاخ شاهان و آرامگاه آنها معطوف میکردیده و از همین جهت آنچه را از دوران کهن باقی مانده و بنظر ما میرسد، یا بقایای پرستشگاهها و خانه خدایان و آتشکده هاست یا کاخها و آرامگاهها. های پادشاهان که خود اکثراً مقام خداوندی و یانیمه خدائی داشته اند، میباشند. در مصر، در کشورهای آسیای غربی، هند، چین، ژاپن و همچنین در کشور خود ما از بقایای اینگونه آثار و معابد فراوان و حتی در کشورهای اروپائی نیز آنچه را که بیش از همه میتوان قدیمتر دانست بقایای اماکن مقدسه و قصور است. آثار معبدی مربوط به مهر (میترا)

هنگامی که مهر پرستی از ایران تا قلب اروپا پیش رفته بود هنوز در
حوالی شهر وین برجا و نمودار مییاشد .

برای ساختمان و تزیین معابد از بهترین مصالح و گرانها ترین
سنگها و لو آنکه از جاهای بسیار دور باید فراهم گردد ، استفاده مینموده اند
معبد ننار Nannar در شهر اور (از شهرهای باستانی سومر در جنوب
جلگه بین النهرین) با سفالهای رنگین فیروزه ای مزین و در داخل
اطاقها و رواقهای آن الواحی از چوبهای گرانها و کمیاب آن زمان از
قییل ارز و سرو که روی آن با قطعاتی از سنگهای مرمر و رخام و عقیق
و طلا معرق سازی و منبت کاری شده بود قرار میداده اند .

در جلگه بین النهرین که محل نمو و پرورش	زیگورات ها
تمدن باستانی مشرق زمین بوده است که	و پرستشگاههای
ترین پرستشگاه که از عهد باستانی بدست آمده	خدایان

بناهائی هرمی شکل از آجر یا خشت خام بنام زیگورات Ziggurat
میباشد قدیمترین نوع از آن برج نیپور Nippur پرستگاه انلیل
Enlil یا اللیل Ellil خدای بزرگ سومریها بوده است . انلیل پروردگار
هوا و بخشنده پادشاهی و پیروزی و شکست در پیکارها را از طرف او
میدانسته اند .

برای سومریها چون ساختمان مناره و گنبد و برج بصورتی که در
قرون سالفه معمول گردید میسر نبود ازین جهت معابد خود را از چند
طبقه که اغلب هفت طبقه بوده است میساختند ، هر طبقه از طبقه زیرین

کوچکتر و توسط پلکان یا سطح مورب مارپیچی که دور تا دور بنا می‌گشته به سطحه ها و در نتیجه پبالای زیگورات میرفته اند. علت ارتفاع زیاد این پرستشگاهها را اینطور توجیه نموده که سومریها معتقد بودند سین Sin رب النوع ماه درون قایقی نشسته و در آسمانها در جولان است ازینرو برای عبادت و قربانی و اجرای سایر مراسم و دسترسی پیدا کردن بآف باید در جاهای مرتفع رفت ازینرو پرستشگاه را هر قدر میتوانسته از سطح زمین بلند تر میساختند.

زیگورات بزرگ و بزرگترین زیگوراتی که تاکنون بدست آمده قدیمی چغا زنبیل در چغا زنبیل سی کیلومتری جنوب شرقی شوش در خوزستان میباشد که حدود ۳۵۰۰ سال پیش یعنی زمان «اونتاش گال» پسر «هوم بانومنا» پادشاه عیلام در دوره شوش دوم بنا گردیده است و خرابه های آن چند سال پیش توسط هیئت علمی فرانسوی مأمور حفاری شوش از زیر خاک بیرون آمده و اضلاع سطحه اولی هر يك به ۱۰۵ متر میرسد و ارتفاع اولیه آن بر طبق تشخیص مکتشفین آن به ۵۳ متر میرسید. این عبادتگاه مانند شهر شوش در اثر حمله آشور بانی پال جهانکشای آشوری بعاك عیلام و انهدام شهرها و تأسیسات آن و بالاخره انقراض عیلام در سال ۶۴۵ ق. م. خراب و به تل بزرگی ازخاك تبدیل شد. از سال ۱۳۱۴ مورد خاکبرداری و کاوش قرار گرفت. در بسیاری از نقاط جلگه بین النهرین بقایایی ازین معابد پیدا شده من جمله زیگوراتی در جوار قصر بیلاقی سارکن دوم پادشاه

آشور بوده که توسط امیل بوتّا Emil Botta کشف گردید و برجهای دیگری در خور سباباء و سایر نقاط دیده شده است .

هرودوت وصف پرستشگاه بزرگ بابل را کرده که ذکر خلاصه آن برای آگاهی بعظمت يك معبد بزرگ دنیای قدیم بیهمناسبت بنظر نمیرسد . این مورخ ارتفاع معبد را ۹۱ متر نوشته ولی باستان شناسان قرن اخیر ضمن کاوشهایی از ویرانه های بابل مانده هایی ازین معبد را که یافته اند با محاسبه از روی خشتهای کلی و وضع محل و پلکان و ستونها ، قاعده برج را نود در نود متر و سایر طبقات را بشرح زیر حدس زده اند :

طبقه اول 90×90 متر و بار ارتفاع ۲۳ متر

طبقه دوم 73×73 متر بار ارتفاع ۶ متر

طبقه سوم 60×60 متر بار ارتفاع ۶ متر

طبقه چهارم 51×51 متر بار ارتفاع ۶ متر

طبقه پنجم 42×42 متر بار ارتفاع ۶ متر

طبقه ششم 24×24 متر که ارتفاع آن با ارتفاع طبقه آخر و بهم رفته

۱۵ متر است .

طبقه زیرین جایگاه « مردوک » خدای خدایان بابلیها بوده است .

توجه خاص پادشاهان پادشاهان کشورهای قدیمه که خود اکثراً به احداث معابد رؤسای مذهب و متولیان و اداره کنندگان

معابد نیز بوده اند برای احداث و تعمیر و تزیین و تجلیل پرستشگاهها مساعی فراوانی مبذول میداشته و از هر گونه مخارج و وقف کردن املاک و دارائی و اسباب بر آن معابد و اهداء طلا و جواهرات دریغ نمینموده اند

تاسر مشقی جهت سایر مردم باشد .

ملکه حچسوت Hatshepsut (۱۴۷۵-۱۴۹۵ ق . م) بریکی ازدو ستون که حوالی معبد کرنك Karnak برپا ساخته از مقدار طلائی که مصرف کرده چنین نوشته است :

« این ستونها از سنگ خارائی ساخته شده که از کانهای جنوب آورده اند . تاج آنها از بهترین طلای کشورهای بیگانه است . بر روی رودخانه آنها را میتوان دید ، درخشندگی شعاع آنها هردو ، زمین را برمیکند و هنگامی که قرص خورشید میان آنها جای دارد چنان مینماید که براستی درافق آسمان بالا میآید ... شما که این دو یاد کار را پس از زمان درازی خواهید دید و از آنچه من کرده ام سخن خواهید گفت لابد خواهید گفت ما نمیدانیم چگونه چنین کوهی از طلا را برپا داشته اند ... من برای زرین کردن این ستونها طلا را مانند کیسه های غله کیل کرده بمصرف رسانیده ام ... چه میدانستم که کرنك افق آسمانی زمین است . »

نبوپالاسار Nibu Palassar پادشاه بابل میزان علاقه و ایمان خود و فرزندش و مردم را برای کرد آوری مصالح ساختمان پرستشگاه مردوك رب الارباب بابلیها واحداث معبد بزرگ شهر بابل ضمن کتیبه ای چنین بیان داشته است :

« دستور دادم که از راه قنات اراحتو مقداری گل قرمز مانند بارانی که حساب ندارد یابوسیله بر که های ایرانی که از وادیها میگذرد بدین

محل بیاورند ... و سر خود را برای ستایش خداوند بزرگ خود مردوخ
 فرود آوردم و جامه خود را که نشانه و رمز پادشاهی من است از تن بدر
 آوردم و بر روی سر خود کل و شل و خاک و سنگ حمل کردم . اما پسر
 ارشد عزیزم بخت النصر که از صمیم قلب دوستش میدارم کل و شل
 و هدایائی از قبیل شراب و روغن حمل میکرد و این چیزی بود که رعایای
 من از آن تبعیت کردند ...

نظیر این اقدامات از طرف سلاطین کشورهای قدیمه برای احداث
 معابد زیاد است که از میان آنها دو کتیبه بالا مذکور گردید و ذکر بقیه
 آن از موضوع این بحث خارج میباشد .

علاقه شهریاران هخامنشی
 و اشکانی و ساسانی بایجاد
 و دائر نگاه داشتن
 پرستشگاهها و آتشکدهها

در زمان شاهنشاهان هخامنشی و اشکانی
 و ساسانی و مخصوصاً در زمان سلطنت
 سلسله آخری آتشکده ها و پرستشگاه
 های متعددی جهت اناهیتا و میترا در
 سراسر حوزه شاهنشاهی برپا داشته بودند که همه آنها پر از ذخائر
 و نفائس بوده است . آتشکده آذر گشنسپ را از لحاظ خزان و جواهرات
 و ثروت بیکرانیش گنجك (گنج) مینامیده اند و ابن خرداد به و دیگر
 تاریخ نویسان اسلامی ضمن وصف همین آتشکده نوشته اند که
 شهریاران ساسانی هنگام تاجگذاری از تیسفون (مدائن) بابای پیاده
 بزیارت آن میرفته اند (۱)

توجه مردم و پادشاهان با حیاى معابد و مساجد و سایر اماکنه مقدسه و تعمیر آنها در ایران یکی از وظائف ملی و دینی بوده است که هر و در تاریخ گذشته این سرزمین قسمتهائی از آنرا نمودار میسازد. داریوش بزرگ جهاندار هخامنشی در کتیبه بیستون از ترمیم پرستشگاههائی که در چند ماه فترت بدست گتومات مغ ویران شده بود بحث مینماید و خشیارشا در الواح سنگی پیدا شده در حر مسرا و خزانه تخت جمشید در یکی از آنها که به کتیبه دیوان نامیده شده است از برجیدن معابد دیوان و تقویت پرستشگاههای مزدیسنا مطالبی دارد که توجه آنها را نسبت بامور معابد و اماکنه مقدسه تأیید مینماید. از شاهان اشکانی و ساسانی مخصوصاً پادشاهان سلسله های بعد از اسلام که دیگر تحول مذهبی در این کشور روی نداده و بزمان آنها نیز نزدیکترین روایات و کارهائی در همین زمینه نقل شده که شواهد آنها احداث مساجد زیاد و ساختمان قبور مردگان و اعمه اطهار میباشد.

نخستین مسجد : اولین مسجد که در اسلام ساخته شد زمان حضرت پیغمبر بود. پس از آنکه وحی بهجرت نازل گردید حضرت محمد (ص) با پیروان خود از مکه بسوی مدینه هجرت فرمود و این همان سالی است که بعدها در زمان خلافت عمر مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت و برابر با سال ۶۲۲ میلادی میباشد. بزرگان و مسلمانان مدینه که تعداد کمی بودند هر کدام مایل بودند حضرت در منزل آنان ورود فرماید ولی پیغمبر برای آنکه تولید اختلاف و تبعیض و نگرانی بین یاران نشود

مهار شتر را رها کرد و در کوچه‌های مدینه به راه افتاد تا هر جا شتر زانو بزند همانجا منزل فرماید ، اتفاقاً شتر پس از طی مسافتی راه در زمینی متعلق بدو نفر طفل یتیم بنام‌های سهل و سهیل فرزندان عمرو زانو زد حضرت آن اراضی را از صاحبانش خرید و بنام مسجد مشغول ساختمان شد و موقتاً در خانه ابویوب انصاری منزل گرفت .

بنای مسجد بسیار ساده و عبارت از يك حصار ازخشت و آجر و يك ایوان جهت نماز گزاران بود که باتنه‌های نخل ستون بندی و مسقف شده و قسمت دیگر مسجد برای یمینوایانی که خانه نداشتند ترتیب داده شده بود و خانه خود حضرت نیز در جوار آن بنا گردید . ایوان مسجد که جای نماز گزاران بود در سالهای اولیه شبها با سوزاندن برگهای نخل روشن میشده و چند سال بعد چراغهایی برای روشنائی بستونها نصب کردند . بنابراین مساجدی که اعراب در بدو اسلام ساخته اند از لحاظ عدم اطلاع بر موز هنری و معماری ساده و فاقد هر نوع سلیقه و سبك قابل اهمیتی بود از مسجد فضای محصور و يك حوض برای شستشو و وضو گرفتن و ایوانی که نماز گزار را از سرما و آفتاب سوزان محفوظ بدارد و اجرای فرائض دینی چیز دیگری انتظار نداشتند ولی در ایران و سایر کشورهای متمدنی که تحت نفوذ اسلام قرار گرفته بودند بنا به عادت دیرین که معابدشان مجلل بود سعی مینمودند تا مساجد را چون معابد قدیمه با بهترین و زیباترین سبك هنری و معماری بسازند .

تقلید از سبک معماری
 ساسانیان برای
 ساختمان مساجد
 فتح سریع ایران بدست اعراب و تحول
 مذهبی که درین کشور بدست مسلمانها پدید
 آمد مستلزم تغییر و تبدیل معابد طبق قوانین
 و رسوم مذهب اسلام بود بنابراین سه نوع مسجد در ایران بوجود آمد.
 یک نوع همان معابد قدیمی بود که تغییر صورت داد و بشکل مسجد در آمد
 مانند مسجد سنگی داراب و مسجدی در شهر استخر و نظائر آن. نوع
 دوم مساجدی بوده ساده بهمان شکل مساجد اعراب که در بالا
 مذکور گردید مانند مسجد شوش و نوع سوم مساجدی است که
 ذوق و سلیقه ایرانیان در آن کاملاً دخیل بوده و دارای جنبه هنری
 شایان اهمیتی است مانند تاری خانه دامغان مسجد ری و همین مسجد
 جامع عتیق شیراز که در صحائف آینده مورد بحث قرار گرفته است.

مساجد قدیمی ایران
 ظاهراً از مساجد بسیار قدیمه‌ای که تاکنون
 دیده شده مسجدی است در شوش که مقداری
 از پایه‌های آجری آن باقی مانده و مکتشفین تاریخ احداثش را بقرن
 اول هجری حدس زده‌اند و دیگر مسجدی در ری بوده که بعقیده دکتر
 اشمیت در زمان المهدی خلیفه عباسی (۱۵۸ تا ۱۶۹ هـ) ساخته شده
 و ساختمان تاری خانه دامغان را نیز که نسبتاً سالم مانده باواخر قرن
 دوم هجری منسوب دانسته‌اند (۱) و پس از این سه مسجد، مسجد جامع

۱. در مسجد تاری خانه دامغان بسیاری از اسلوب ساختمانی ساسانی کاربندی
 شده و طاقها روی پایه‌های آجری که از خصائص معماری زمان ساسانیان
 است استوار گردیده است

عتیق شیراز است که در این رساله بطور تفصیل توسط دوست و همکار ارجمند آقای علمی نقی بهروزی عضو دانشمند کانون دانش پارس مورد تحقیق و تشریح قرار گرفته در عداد قدیمی ترین مساجد ایران و قدیم ترین مسجد در فارس تشخیص داده شده است .

نفوذ هنر و معماری ساسانی نه تنها در احداث مساجد داخل ایران مؤثر بوده بلکه در بسیاری از مساجد خارج ایران نیز ازین سبک تقلید گردیده است . مسجد بصره که در سال ۴۵ هجری (۶۶۵ م) بدست زیاد ابن ابیه ساخته شده چون وی قبلاً از طرف خلیفه حاکم شهر استخر فارس بوده بی شباهت بساختمانهای تخت جمشید و استخر نبوده است و همچنین طبری مینویسد که استادان و معماران مسجد کوفه که در سال ۵۰ هجری (۶۷۰ م) ساخته شده بسبک ابنیه ایرانی و معمار آن مسجد در خدمت آخرین پادشاه ساسانی کار میکرده است .

مساجد علاوه بر انجام تشریفات و اعمال	وعظ و تبلیغات و فحش
مذهبی مرکز تجمع مردم و مباحثه و تدریس	و بحث امور اجتماعی
و اخذ تصمیمات سیاسی و اجتماعی نیز بوده	و سیاسی در مساجد

است و بسیاری از مدرسین و دانشمندان و قضات عالیمقام حوزه های درسی و علمی و قضائی خود را در مساجد تشکیل میداده اند . حوزه های درس نیشابور و بلخ و هرات و بغداد و فارس معروف و در بسیاری از تاریخهای قدیمی یاد گردیده است . از قرن چهارم هجری بعد در شهرهای معروف مدارس نیز جنب مساجد ساخته شد و مساجد و مدارس توأماً محل

تدریس و مباحثه و اجتماعات شد. در شهرهای بزرگ پیوسته يك یا چند مسجد بزرگ بنام مسجد جامع یا مسجد جمعه وجود داشته که در اوقاتی از روز و مخصوصاً روزهای جمعه و ایام متبر که مردم در آن جمع شده علاوه بر ادای فرائض دینی، اصغای وعظ و خطابه و عاظ و خطبایار امین نموده اند در شیراز نیز ازین مساجد متعدد بوده که معروف ترین آنها فعلاً مسجد جامع عتیق - جامع جدید (مسجد نو یا مسجد اتابك) . مسجد وکیل - مسجد نصیرالملک - مسجد مشیر میباشد.

سبك بنای خداخانه مسجد جامع عتیق آنچه از بناهای جالب از سبك بناهای ساسانی الهام گرفته و هنری دوران گذشته که در مسجد جامع عتیق باقی مانده و در چند سال اخیر بهمت مأمورین باستانشناسی تعمیر گردیده بنای وسط مسجد است بنام «خداخانه» یا «بيت المصحف» سبك بنا و حجاری و کتیبه و معرق کاری و بکار بردن سنگهای مقعر منقوش یکپارچه در ایوانها از شاهکارهای هنری قرن هشتم هجری شیراز میباشد که در زمان سلطنت شاه شیخ ابواسحق اینجو (پادشاه سلسله آل اینجو) بسال ۷۵۲ هجری مطابق ۱۳۵۱ میلادی بنا گردیده و بطوریکه ابن بطوطه نوشته و خود ناظر بوده است در زمان همین سلطان بنای يك کاخ رفیعی بسبك و نظیر ایوان مدائن آغاز میگردد که تا این سیاح در شیراز بوده سه ذراع از آن بالا آمده بود.

در کنار شهر سر وستان آثار يك بنای زیبا و قدیمی بادوسر در سنگی منقوش و معرق سنگی بجا مانده که بقبر شیخ یوسف معروف میباشد،

تاریخ سنک قبر ۶۸۰ هجری ولی تاریخ بنای چهارطاقی روی آن بر سر در شرقی ۷۱۴ ه ذکر شده و در هر دو صورت مربوط با اوایل قرن هشتم و حدود نیم قرن از ساختمان بنای خداخانه مسجد جامع عتیق شیراز جلوتر است سبک این ساختمان که از اسلوب بنای کاخ ساسانی جنوب غربی سر وستان الهام گرفته مورد تقلید معماران و سازندگان خداخانه مسجد قرار گرفته است . ستون ایوانهای چهارطرف و پاستونها و سنگهای مقعر یکپارچه بکار رفته در ایوانها با نقش و نگار و اسلیمی کاملاً با ستونهای پایه طاق بقعه شیخ یوسف و حجاریهای سر در شیشه و مانند است و حتی کاشی کاری اطراف بقعه با کاشی کاری درون خداخانه یکسان بوده است . چون بطور تفصیل این بنا توسط همکار گرامی آقای بهروزی مورد تحقیق قرار گرفته بنا بر این بی نیاز از توضیحات بیشتری در این باره میباشد .

توجه مردم و اولیای امور در دره پرماجر او آشوب ما با آنکه در این عصر و زمان با حیا و ترمیم گرفتاریهای زندگی و تلاش معاش مساجد و اماکن مقدسه دینی و فعالیتهای دیگر اجتماعی که مولود تحولات جدید تمدن سریع السیر دنیا و نیاز مندیهای امروز بشری در قرن حاضر میباشد مردم را سخت مشغول و گرفتار ساخته است باز در ادای وظائف دینی و سنت های گذشته خود تا حدود امکان مضایقه نمیشود و بحقیقت میتوان گفت که جنبش و تلاش مردم برای این قبیل امور دینی بمراتب بیش از ادوار گذشته میباشد ، نمونه بارز آن احیای همین مسجد جامع عتیق میباشد که مردم شیراز از خیب فتوت خود با ایمان و علاقه خاصی

جهت ترمیم و تجدید بنای مسجد ده‌ها ملیون ریال پول پرداختند و يك ویرانه مخوف ازهم پاشیده‌ای را بصورت يك عبادتگاه آبرومند مجملی در آوردند. نمونه بارز دیگر توجه وعلاقه دینی مردم بمساجدنو بنیادی است که در فاصله ربع دوم قرن اخیر در خیابانهای خیام - مشیر - منوچهری داریوش - کارخانه سیمان - قریه سعدی وسایر گوشه و کنار شهر ساخته شده. مضافاً بر اینکه ملیونها ریال برای ساختمان گنبد حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) علیه السلام وسایر تعمیرات داخل حرم واحیا و ترمیم سایر مقابر متبرکه که کمک نموده‌اند. اولیای امور نیز بسهم خود از تعمیر مساجدی که جنبه باستانی وهنری دارد وسایر امکنه مقدسه دینی وهلمی فرو گذار نکرده و کوششهای فراوانی مبذول داشته‌اند که در خور تحسین وسپاسگزاری است.

نه تنها در کشور ما بلکه در سایر کشورهای خارجی نیز توجه مردم بمعابد و کلیسا نقصان نیافته بلکه شواهدی بر تقویت آن در دست است ونویسنده بیمناسبت نمیداند که چند فقره از آنرا که خود در چند کشور اروپائی دیده است باستحضار خوانندگان ارجمند رساند:

در شهر وین پایتخت اطریش کلیسای بزرگی است بنام سنت تین (استفان) این کلیسا یکی از شاهکارهای هنری و معماری قرن گذشته میباشد که بسبب کلیسای نتردام پاریس ساخته شده است سقف ضربی رفیعی دارد به بلندی در حدود سی متر که برستونهای طرفین تالار متکی و در صدر تالار محراب بزرگ باشکوه وجالبی ساخته شده که باتزیینات

و نقاشیهای نفیس مزین و منقوش گردیده است . سقف این اثر نفیس مذهبی دروازه جنك بین الملل دوم در اثر بمبهای مخرب طرفین متخاصم خراب میگردد . همت مردم و كمك شهرداری محل و مساعدت مردمان سایر شهرهای اطریش سبب گردید تا این مرکز مقدس مذهبی بزودی تعمیر و از نو ساخته گردد ، علاوه بر اعانات پرداختی مردم و شهرداری تمام مرمرهای كف تالار و بدنه ها را شهر سالسبورك و چراغها و چارها (لواستر) تالار را استان بورگن لند و چوبهای میز و نیمکت و صندلی و غیره را ناحیه کرانتی (سرحد اطریش و یوگوسلاوی و ایتالیا) هدیه مینماید .

پس از پایان بنا طی مراسم باشکوه رسمی کلیسا مجدداً افتتاح و ناقوس آن بصدا در میآید . ناقوس کلیسای بزرگ رم پاسخ صدای ناقوس این کلیسا را میدهد و سپس پاپ بزرگ از مقر خود در واتیکان نطق مهمی ایراد و از مردم وین و اطریش که همت کرده کلیسا را از نو دایر ساختند اظهار تشکر و قدردانی مینماید و گناهان همه مردمی را که در این راه همکاری نموده بودند میبخشد . این تقدیر از طرف پاپ پی دوازدهم برای مردم اطریش بسیار گرانبها و تقریباً بی نظیر بوده است .

هنگامی که نویسنده برای شرکت در بیست و چهارمین کنگره مستشرقین و ایراد يك سخنرانی در آن مجمع ، بآلمان مسافرت نموده بودم چند روزی پس از خاتمه کنگره در اطریش بسر بردم توفیق دیدار این کلیسا نیز ضمن آثار دیدنی شهر وین نصیب شد در آن سال که ۱۹۵۷ میلادی بود سردر مجلل و رفیع آنرا مشغول تعمیر شده بودند و راهنمای ما اظهار میداشت

که تا یازده سال دیگر طول خواهد کشید تا بنای این سردر تمام شود .
چند روز پیش از آنکه دور و بر سردر را منجنیق و چوب بندی نمایند
بر حسب تقاضای مردم سه شب نورافکنهای قوی سردر را نمودار ساخت
تا مردم وین ببینند و خدا حافظی کنند زیرا تا یازده سال بعد چشمشان
این سردر را دیگر نمیدید .

گنبدی ازین کلیسا که از کاشیهای رنگین عالی ساخته شده و روی آن
نقش عقاب هابسبورگ میباشد در اثر سانحه‌ای خراب میگردد . شهرداری
وقت میخواست به سبک جدیدتری آن را بسازد مردم مانع میشوند و اصرار
مینمایند که باید بهمان سبک قدیم خود ساخته شود و برای اینکار همه
مردم با خرید بلیطهایی در ساختمان مجدد آن به سبک قدیمش مساعدت
مالی قابل اهمیتی مینمایند روز اختتام گنبد پیر مرد فقیر ژنده پوشی
خوشوقت و مباحی بوده است که پول پنج کاشی گنبد را از جیب خود
با خرید کارت پستال داده است .

بسیاری از کلیساهای لندن در جنگ دوم جهانی در اثر بمباران پی در پی
آلمانیها ویران و چند سالی پس از جنگ طول نکشید که همه یا توسط
دولت یا مردم تعمیر و بحال اولیه خود برگشت تنها برای تعمیر کلیسای
بزرگ وست مینستر بطوری که راهنمای ما میگفت دولت یک میلیون
لیره انگلیسی که پول ما در حدود بیست و یک میلیون تومان میشود اعتبار
تخصیص داده بود . ضمن همین مسافرت در کنار خیابان بزرگ برلن
بقایای يك کلیسای قدیمی دیده شد که مردم از شهرداری خواسته بودند

بهمان حال نگهداری شود تا خود برای تعمیر آن اقدام نمایند .

این بود نمونه ایمان مردم بمقدسات و معتقدات خود در کشورهای اروپائی .
 يك نگرانی غیر قابل جبران : با وجود مساعی و فداکاری فراوان
 و شایان تقدیر مردم و علاقه مندان در راه احیای مسجد جامع عتیق
 متأسفانه رعایت حفظ قسمتهای قدیمی مسجد بعمل نیامد و با آنکه
 جلساتی بهمین منظور در زمستان سال ۱۳۲۱ با حضور حضرت آیه الله
 آقای رضوی و آیه الله فقیه مرحوم حاج شیخ یوسف حدائق و آیه الله
 آقای حاج سید عبدالحسین دستغیب و جناب آقای سید محمد تقی مصطفوی
 مدیر کل سابق باستانشناسی تشکیل و توصیه شده بود که بانیان نیکو کار
 قسمتهای کهنه را حتی الامکان بحال خود نگاهدارند مع هذا بطوری که
 شنیده شد چند تن از آنها بعد از اینکه پایه ها بکلی متلاشی و استحکام
 اولیه را از دست داده زیر بار این توصیه نرفته و تغییراتی در بنا دادند
 که اصولاً از نظر حفظ جنبه باستانی آثار بصلاح و صواب نزدیک نبوده
 است . در هر صورت بطور کلی درین قبیل موارد اگر اضطرار در کار
 نباشد ، عدم رعایت سبک و قدمت در تعمیر آثاری که جنبه باستانیش
 میچربد بهیچ چیز جز بی سلیقهگی و نارسائی فکر نمیتوان بچیز دیگری
 تعبیر نمود .

اول دیماه ۱۳۴۰ شمسی

علی سامی

جامع عتیق شیراز

یا

قدیمترین مسجد فارس

چون « یعقوب بن لیث » صفار در سال ۲۶۵ هجری قمری در « جندی شاپور » چهار نفر را بدرود گفت ، برادرش « عمرو بن لیث » به سلطنت نشست . (۱) پس از مدتی که در سیستان و کرمان فتوحاتی کرد ، در سال ۲۷۶ هجری قمری بفارس لشکر کشید و باقشون « الموفق بالله » خلیفه عباسی که برای دفع او فرستاده شده بود ، جنگید و آنرا شکست داد و قریب چهار هزار نفر را با سارت گرفت و مظفر و فیروز بشیراز وارد شد و

۱- عمرو بن لیث صفار پس از فوت برادرش یعقوب در سال ۲۶۵ هجری قمری به سلطنت رسید و لشکریان را به متابعت خود در آورد و چون به خلیفه عباسی « مهتمد » اظهار اطاعت کرد حکومت فارس و کرمان و اصفهان و سیستان و شصتگی بغداد بوی معول شد و با مخالفان خود جنگید و « رافع بن هرثمه » را مغلوب ساخت .

عمرو پس از فتوحاتی که در کرمان و خراسان و خوزستان و فارس کرد در مدد تصرف ماوراء النهر که در تصرف « اسماعیل سامانی » بود برآمد ولی در اولین روز جنگ که در سال ۲۸۷ هجری قمری صورت گرفت ، عمرو بطسرس عجبیسی اسیر شد و او را ببغداد فرستادند و مجبوس گردید تا در سال ۲۸۹ ه . ق . وفات یافت .

دستور داد تا نام خلیفه را از خطبه حذف کردند و بدین طریق استقلال خود را اعلام داشت .

«عمر ولیث» دستور داد تا بشکرانه این پیروزی بزرگ طرح مسجد بزرگی را در شیراز بریزند که از هر حیث بیسابقه و آبرومند باشد لذا کار گزاران او برای اجرای امرش مشغول فعالیت شدند و مسجد مزبور در سال ۲۸۱ هجری قمری با تمام رسید .

این مسجد که بنامهای «جامع عتیق» و «مسجد جمعه» و «مسجد جامع» و «مسجد آدینه» نامیده میشود قدیمترین مسجد جامعی است که در فارس بنا شده است (۱)

این مسجد بنائی رفیع و مجلل و حجره ها و شبستانهای متعددی داشته که بعضی از آنها دو طبقه بوده است .

مسجد مزبور شش در داشته است (۲) در شمالی آن (در مجاور مسجد طبالبیان کنونی) به «در دوازده امام» معروف است و سردر مهمی دارد .

علت تسمیه این در به «دوازده امام» این است که هنگام تعمیرات مسجد که بامر «شاه عباس کبیر» در سال ۱۰۳۱ ه. ق. صورت گرفت اسامی دوازده امام را بخط «غیاث الدین جوهری» خطاط معروف

۱- مساجدی که پیش از آن بوده یا کوچک و بی اهمیت بوده و یا از بین رفته است .

۲- هنوز هم شش در دارد بدینسان : دودر ، سمت مشرق - دو در ، سمت مغرب - یکی در شمال و یکی در جنوب .

بر روی کاشی نوشته در چرخ بیرونی آن نصب کردند (۱)



مسجد جامع شیراز که خدایخانه در وسط آن دیده میشود

هم اکنون قسمتی از آن دوازده امام سابق، در دو کتیبه، در چرخ های طرفین سردر مزبور باقی است و بقیه دوازده امام را که ریخته بود، در تعمیرات جدید، در دو کتیبه دیگر تهیه و بدان افزوده اند.

۲- این وجه تسمیه از افادات دانشمند محترم آقای محمد جعفر واجد است.

خارج از مسجد، بناها و اطاقهای متعددی وجود داشته که بتدریج در اثر زلزله ها ویران گردیده و امروزه بصورت منازل شخصی در آمده است چنانکه سال گذشته که نخاله های شبستان جنوب غربی را برداشتند تا آنرا بسازند بخوبی دیده شد که دیوار های منازل اطراف، بر روی شالوده ها و طاقهای سابق مسجد بنا شده است !

بدیهی است مسجد مزبور دارای رقبات و موقوفات بسیاری بوده که



بتدریج از بین رفته

است (۱)

در شبستان جنوبی

آب ، نزدیک

محراب ، منبری

چوبی که دارای

چهارده پله است

(بتعداد چهارده

معصوم) قرار

گرفته و گویند

قبر « عتقه » (۲)

در آنجا قرار

دارد .

« دانشمند فقید فرصت الدوله » (†) در کتاب معروف خود بنام
« آثار عجم » نوشته است که :

یاورقی صفحه قبل

- ۱- در حال حاضر موقوفات مسجد جامع عتیق بشرح زیر است :
- ۱- دودانك حمام گلشن ۲- عرصه دكانهای بازارچه غربی پشت مسجد
- ۳- قطعه زمینی که مجاور مسجد است و در آن حصیر بافی میشود .
- ۴- عتقه پیر زال سروستانی است که ذکر آن بیاید .



†- میرزا محمد نصیرالحسینی ملقب
به « فرصت الدوله » و مشهور به
« میرزا آقا » و متخلص به « فرصت »
در سال ۱۲۷۱ هـ . ق در شیراز متولد
شد و علوم ادبی و عربی ، منطق و
حکمت ، فنون شعر و نقاشی را نزد
اساتید بزرگ تحصیل کرد بطوری
که در تمام آنها به مقام استادی رسید .
آمرحوم کتب متعددی را تالیف کرده
است که مهمترین آنها عبارتند از :

- ۱- اشکال المیزان در منطق
 - ۲- بهرورالاحسان در عروض
 - ۳- دره نجفی در علوم ادبی
 - ۴- دبستان الفرصة شامل شرح حال و دیوان او
 - ۵- آثار عجم در شرح آثار تاریخی فارس
 - ۶- مقالات علمی و سیاسی آمرحوم
 - ۷- دریای کبیر شامل علوم و فنون مختلفه .
- فرصت الدوله از فضلاء و شعراء و هنرمندان معروف قرن اخیر شیراز است
که جامع فضائل و کمالات بسیاری بوده است . آمرحوم شاعر و نویسنده ،
مؤلف و نقاش ماهری بوده و آثار باستانی آشنائی کامل داشته و خواندن
خط میخی را نیکو میدانسته است .

(بقیه ذیل صفحه بعد)

«... منبری از چوب ، بسیار بزرگ ، مشتمل بر چهارده پله ، مشهور به
 « منبر مرتضی علی » است قریب باین منبر مزاری است . گویند قبر « عتقه »

بقیه پاورقی صفحه قبل

آمرحوم در سال ۱۳۳۹ هـ . ق در شیراز وفات یافت و در جوار قبر حافظ
 مدفون گردید .

مرحوم فرصت در زمان حیات خود ، قبری را ساخت و کتیبه و شعر زیر را
 گفته با خط خود بر آن نوشت و پس از فوت ، تاریخ فوت او را نگاشتند
 و مرحوم محمد حسین شعاع الملک شاعر شیرازی ماده تاریخ او را ساخت که
 اکنون بر سنگ مزارش منقود است .
 عین کتیبه سنگ قبرش چنین است :

قال رسول الله محمد المصطفى صلى الله عليه وآله : من كتب
 بسم الله الرحمن الرحيم بحسن الخط وجبت له الجنة . (کتبه فی حیاتی ۱۳۳۸)
 ای جلوه جمال تو برتر زهر سنا عجز از ثنای ذات تو بهتر زهر ثنا
 اشراق نور وجهک فی کل وجهه من ضوئه قد اقتبس الشمس فی الضحی
 مارا به پیشگاه حضور تو راه نیست الا بیمن همت خاصان رهنما
 سر خیل رهنمایان باشد شه رسل فرمانده قضا و قدر ختم انبیا
 فخر الوری محمد المصطفی الذی بالوحی کان منطقه لاعن الهوی
 عقل نهفت ، احمد مرسل که شرع او شد راست از حسام کج شاه اولیا
 صهر نبی ، علمی ولی ، رهبر امم زوج بتول ، باب وصول ، آیت هدی
 یارب باحمد و علی و اهل بیت او بگذر ز فرصت آنچه از او دیده ای خطا

الحکیم البارع صاحب التصانیف و المآثر النافع محمد نصیر العسینی
 فرصت الدوله ولد شهره رمضان سنه ۱۲۷۱ و قد رقد فی هذا الرقد دهم شهر صفر
 سنه ۱۳۳۹

فرصت الدوله نصیر الدین ، فرصت رفت و شد از رفتنش علم و ادب کم
 سال تاریخش شعاع الملک گفتا آه از فرصت ، نصیر الدین سیم

در یکی از شبستانهای آن است و آنجا محل استجابت دعاست . (۱)

این مسجد همیشه مملو از جمعیت بوده که یا برای ادای فرایض و یا استماع بیانات خطباء و مدرسین در آن گرد میآمده‌اند (۲)

در این مسجد روزهای آدینه « نماز جمعه » خوانده میشده و ضمن خطبه آن ، بنام خلیفه یا پادشاه اشاره میشده که رسمیت داشته است و جمعیت کثیری در آن شرکت میکردند و علماء مشهور و خطبای معروف و عرفای بزرگ در آن محراب و منبر و مدرس داشته‌اند که بارشاد و هدایت خلق و عبادت خالق میپرداخته‌اند . (۳)

- ۱- اکنون اثری از این قبر وجود ندارد .
- ۲- شیخ بزرگوار سعدی شیرازی در ضمن غزلی فرموده است :
تانشنوی زد «مسجد آدینه» بانك صبح یا از در سرای اتابك غریو كوس
لباز لب چو چشم خروس ابلهی بود برداشتن بگفته بیهوده خروس
- ۳- بطوری که در کتب تواریخ و رجال و تذکره‌ها ذکر شده عده کثیری از بزرگان علماء و خطباء و محدثین و عرفای بزرگ در این مسجد امامت داشته و یا تدریس مینموده و یا خطبه میخوانده و وعظ میکردند که معروفترین آنها عبارتند از :

- ۱- مولانا جلال‌الدین بن سعدالدین معروف به « علامه دوانی »
- ۲- شاه نعمت‌الله ولی عارف مشهور
(آقای رضا نور که کتابی در شرح حال شاه نعمت‌الله ولی تألیف کرده راجع به حضور حضرت شاه نعمت‌الله در مسجد جامع عتیق شیراز شرحی نگاشته‌اند که عیناً نقل میشود :
- «... دیگر از ارادتمندان آنحضرت (شاه نعمت‌الله) خاتم الحکماء السید شریف محقق (استاد خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی) است که در سفری که از کرمان بشیراز نمودند در یکی از ایام جمعه که «امیرزاده بقیه باورقی ذیل صفحه بعد

گویند خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی نیز شبها (ویاشمهای

بقیه پاورقی صفحه قبل

امیر اسکندر ابن عمر شیخ ابن امیر تیمور « حاکم شیراز بود ، سید شریف بیجامع شیراز در آمده که نماز بگزارد . خواجه حافظ سجاده سید شریف استاد خود را بردست راست سلطان گسترد و جمعیت انبوهی منتظر تشریف فرمائی شاه نعمت الله بودند تا آنکه آنحضرت به سجده رسیدند و خلاصه رسید شریف باستقبال آمدند و بقدری ازدحام شد که نزدیک بود سید شریف در زیر پای مردم پایمال شود که شاه نعمت الله دست او را گرفته بمحل نماز آورد و سید سجاده خود را از سمت راست سلطان برداشته و سمت چپ گسترد و سجاده شاه نعمت الله در سمت راست گسترده گردید .

۳- مولانا قوام الدین ابوالبقاء عبدالله بن محمود بن حسن شیرازی

۴- الشیخ ابو محمد الحسن بن الحسین بن عمر بن خشنام الخبیری

۵- الشیخ ناصر الدین عمر بن محمد بن عمر بن احمد الکبیری

۶- الامیر سیف الدین یوسف بن عبدالله الواعظ که ۶۰ سال در آنجا وعظ و تدریس کرده است

۷- شیخ ابراهیم خنجی که در آنجا معتکف بوده و شب و روز قرآن و حدیث تدریس میکرد

۸- استاد بهاء الدین محمد بن علی الخوارزمی

۹- مولانا علاء الدین محمد بن سعد الدین محمود فارسی

۱۰- الشیخ سعد الدین ابوالیمن اسمعیل المظفر .

۱۱- الشیخ الحاج رکن الدین ابو محمد منصور ابن المظفر

۱۲- الشیخ ضیاء الدین ابوالوقت عبدالوهاب ابن المظفر

۱۳- الحاج امام الدین ابوالمظفر حسن بن محمد ابن اسمعیل المظفر

۱۴- الشیخ نجم الدین ابوالفتح محمود بن محمد ابن اسمعیل المظفر

۱۵- الشیخ رکن الدین یحیی بن منصور بن المظفر

۱۶- الشیخ زین الدین مظفر بن روزبهان بن طاهر الریمی

بقیه ذیل صفحه بعد

جمعه) دور خدايخانه (قسمت وسط مسجد که شرح آن بعداً ذکر خواهد شد) طواف میکرده و قرآن را با «چهارده روایت» از حفظ میخوانده است. (۱)

این مسجد در اوائل خیلی تمیز و محترم بوده و واردین با نهایت خضوع و خشوع در آن بعبادت میپرداخته اند.

بقیه باورقی از صفحه قبل

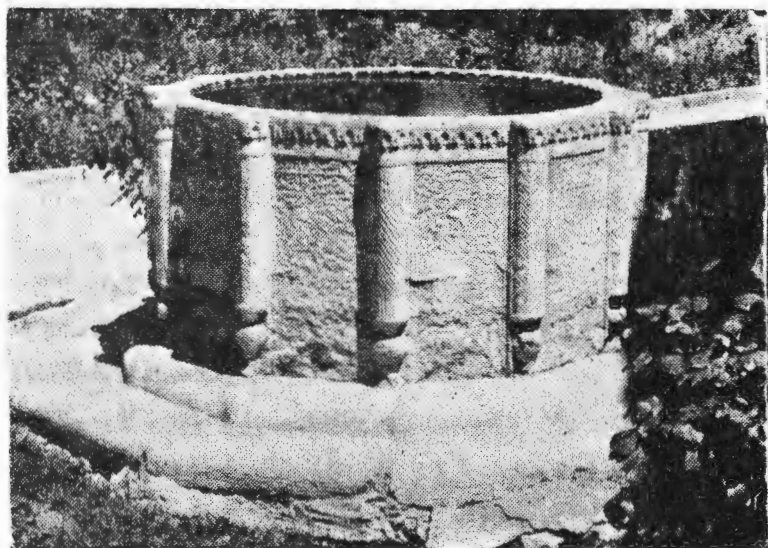
- ۱۷- الشیخ سعدالدین محمد بن المظفر بن روزبهان
- ۱۸- الشیخ افضل الدین ابوطالب هبة الله بن یحیی بن محمد المعروف بابن الهراس
- ۱۹- الامام ظهیر الدین ابو عبدالله الخطیب
- ۲۰- الشیخ تاج الدین احمد بن محمود بن محمد النعمانی المعروف به «حر»
- ۲۱- الامیر شرف الدین ابراهیم بن صدر الدین محمد بن اسحق بن علی بن عربشاه
- ۲۲- مولانا زین الدین ابوبکر تائب آبادی
- ۲۳- الامیر اصیل الدین عبدالله بن علی بن ابی الحسین بن سعد بن مهدی العلوی المهدی
- ۲۴- مولانا سعدالدین احمد الفارسی
- ۲۵- الشیخ روزبهان المعروف به «فرید» که حدیث و تفسیر تدریس میکرده
- ۲۶- الشیخ محمد بن احمد الفسوی که ۳۰ سال تدریس میکرده
- ۲۷- الشیخ ابوزرعه عبدالوهاب بن محمد بن ایوب الاردبیلی
- ۲۸- شیخ ابوالمبارک عبدالعزیز بن محمد بن منصور بن ابراهیم
- ۲۹- الامام العالم الارشد ارشد الدین علی بن محمد النیریزی
- ۳۰- الامام شمس الدین صفی که امامت داشته است

۱- حافظ خود گفته است که :

عشقت رسد بفریاد گر خود بسان حافظ قرآن زبر بخوانی با چارده روایت و همچنین :

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار تا بود و ردت ده او درس قرآن غم مغرور

صحن مسجد از سنگهای مرمر مفروش بوده و هر شب بوسیله آب جدولی که از آن میگذشته و حوضهای آنرا پر میکرده ، شسته میشده است. واردین بمسجد ، در مدخل دالان ، کفشهای خود را بیرون آورده و با آئیکه در آنجا بوده ، پاهای خود را شسته و وضو گرفته و سپس طیب و طاهر و با پای برهنه وارد صحن مسجد میشده اند .



سنگاب مسجد جامع

در سالهای اخیر در یکی از دالانهای آن سنگابی نصب بود که گویا برای وضو گرفتن و شستن پا (بسنت اهل تسنن) بکار میرفته و در سال ۱۳۱۵ هجری شمسی که موزه پارس تأسیس گردید آنرا بدانجا انتقال

دادند و هم اکنون در جلو پلگان ورودی بیاب موزه نصب است (۱)
 « این بطوطه » سیاح معروف طنجه‌ای که در سال ۷۴۸ هجری
 قمری (در زمان سلطنت شاه شیخ ابواسحاق اینجو) بشیر از سفر کرده
 است ، در سفر نامه خود ، پس از تعریفهای بسیاریکه از شهر شیراز کرده ،
 میگوید :

« ... و مسجد بزرگ آن موسوم به « جامع عتیق » است و آن
 بزرگترین مسجدی است از حیث وسعت و بهترین آنهاست از حیث بناء
 و صحن وسیع آن با هر مهر و فروش است و در هنگام گرما هر شب آنرا
 میشوند و هر شب بزرگان شهر در آن جمع میشوند و نماز مغرب و عشاء
 را میخوانند و در شمال آن دری است معروف به « درب حسن » که در
 بازار میوه فروشها باز میشود ... » و در جای دیگر گوید « که خوانندگان
 داخل آنجا میشدند و قرآنرا با صدای نیکو میخواندند و در معموره
 زمین خوانندگان خوش صوتی مانند شیراز نیست ! »

« معین الدین جنید شیرازی » مؤلف کتاب « شدالازار » راجع باین
 مسجد چنین نوشته است :

« ... شکی نیست که بهترین جاها برای اجابت دعا ، در هر شهری ،

۱- قطر داخلی سنگاب مزبور قریب یکمتر است و قسمت خارجی آن دوازده
 ضلعی است . در اطراف این سنگاب نقش و نگار بوده و دور تا دور آن
 اشعاری نوشته شده است ولی در اثر مرور زمان و تأثیر آب ، تشخیص نقوش
 و خواندن خطوط آن میسر نگردید ، « مادام دولافوا » سیاح فرانسوی
 هم شرحی در باب این سنگاب نوشته که بعداً نقل میگردد .

مسجد جامع آن است - آنهم پهلوی منبر - این مسجد قدیمترین بنائی است که از روی اخلاص نیت و از مال حلال (بدون شبهه) بنا شده است. «قاضی ناصرالدین بیضاوی» در تاریخ خود موسوم به «نظام التواریخ» گوید که این از بنای «عمرو لیث» است و حکایت شده است که چون شروع بساختن مسجد کرد، دستورداد تاجو بهای مستقیم و هموار را برای آن بیابند. بدو اطلاع دادند که زن صالحه ای در باغهای خود در «سروستان» چوبهای صاف و همواری دارد که آنها را از راه حلال بدست آورده است. پس مأمورینی را فرستاد تا آنها را خریداری کنند - زن دستورداد تاجو بها را بریده حمل نمایند و گفت بعداً در خصوص قیمت آنها مذاکره خواهم کرد.

چون آنها را حمل کردند و ستونها و جرزها و طبقات را با تمام رسانیدند گفت سقفها را هم بپوشانید تا بهای آنها را حساب کنیم. و چون تیرها را بکار بردند و سقفها را پوشانیدند گفت: من احتیاجی بیول آنها ندارم زیرا که آنها را در راه خدا داده ام. (۱)

پس قضیه را به «عمرو بن لیث» اطلاع دادند و او خشمگین گردید و گفت یا بهای آنها را بستان و یا آنها را بیرون خواهم آورد!

۱- باید دانست که چوبهایی که در ساختمان مسجد جمعه بکار رفته چوب سرو و کاج میباشد که هیچوقت موریا نه نمیزند ثانیاً تمام سقفهای مسجد را با چوب نپوشانیده اند بلکه چوبها را برای استحکام لای جرزها و دیوارها بکار برده اند - سقفهاییکه با آجر ساخته شده مربوط بزمان صفوی و بعد از آن میباشد.

پس آن زن نزد پادشاه رفت و گفت : ای امیر ! برای چه این مسجد
 ساختی ؟ گفت : برای خدای عزوجل و امید بشوای و طلب رضای او .
 زن گفت : من هم امید رضای خدا و ثواب او دارم . شاه متأثر شد و او
 را وا گذاشت .

و گفته شده است که استاد بنای این مسجد از اولیاء الله بوده است و
 چون خواست که محراب مسجد را بسازد ، کسی باو اعتراض کرد که



محراب قدیمی مسجد جمعه که در موزه پارس است

قبله محراب برابر کعبه نیست - پس بناء دست او را گرفت و از میان دو انگشت خود از دور ، مکه و کعبه را بوی نشان داد که محاذی محراب بود !

چون اتابك (۱) پادشاه شیراز شد ، دستور داد تا دو حلقه از نقره ساخته و آنها را بمکه فرستاد و از شرفاء مکه درخواست کرد که بجای آنها دو حلقه (از حلقه های درهای مکه) را برای او بفرستند و آنها را روی دولنگه دری از مسجد آویختند که بهمین اسم مشهور است (۲) و شکی نیست که آن دو حلقه بر کات دستهای بسیاری از اولیاء خدا را

۱- چون اسم اتابك ذکر نشده ، معلوم نیست که کدام يك از اتابكان فارس بوده است ولی احتمال داده میشود که یا «سعد بن زنگی» و یا «ابو بکر بن سعد» بوده است اما بنظر نگارنده بدلائلی که ذکر آنها موجب اطناب است ، مقصود از این اتابك «ابو بکر بن سعد بن زنگی» معاصر و مدوح سعدی است .
۲- این دو حلقه تا چندی پیش بر در کهنه ای در دالان شمالی مسجد (جنب مسجد طبایان) نصب و آویزان بود و بعداً معلوم نشد که بکجافت . در حال حاضر دو حلقه باز بر آنها درموزه پارس شیراز وجود دارد که بنام حلقه در مسجد جامع عتیق ثبت دفتر شده است .

این دو حلقه بر روی صفحه ای از برنز نصب است که طول آن ۲۶٫۵ و عرض ۱۰ سانتیمتر است . بر بالای آن دو این بیت معروف نظامی گنجوی نقر شده است :

(هر مصرعی روی يك صفحه ای)

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

و در پائین آنها این بیت حافظ شیرازی نوشته شده است :

(هر مصرعی روی یکی از صفحه ها)

رضا بداده بده و ز جبین گره بکشای که بر من و تو در اختیار نکشاد است
بقیه ذیل صفحه بعد

درك کرده است .

« حاج میرزا حسن » مؤلف فارسنامه ناصری (۱) راجع بمسجد آدینه شیراز چنین مرقوم داشته است :

بقیه پاورقی صفحه قبل

ولی مسلم است که این دو حلقه ، حلقه انابکی نیست زیرا که در آن زمان هنوز حافظ بوجود نیامده بوده است . احتمال داده میشود که این حلقه ، هنگام تعمیراتی که در زمان سلاطین صفویه شده است بر یکی از درهای مسجد نصب کرده باشند .

۱ - حاج میرزا حسن شیرازی معروف بفسائی فرزند میرزا حسن بن میرزا محمد مجتهدالدین ابن سید علی صدرالدین معروف بسید علی خان مؤلف کتاب مشهور فارسنامه ناصری است که مردی محقق و دانشمند و فاضل بوده است . فارسنامه ناصری که در دو جلد تنظیم شده یکی از کتب مهم و مفصلی است که در سال ۱۳۰۴ ه . ق در زمان سلطنت ناصرالدینشاه راجع بتاریخ و جغرافیا و رجال فارس و شیراز تألیف و در سال ۱۳۱۲ ه . ق چاپ سنگی شده و اخیرا نیز آنرا با چاپ افست تجدید چاپ کرده اند و مورد توجه علماء و مورخین میباشد .

آن مرحوم در سال ۱۲۳۷ در فسا متولد و در سال ۱۳۱۶ در شیراز وفات یافت و در مدرسه منصوریه شیراز مدفون گردید . این کتیبه سنگ مزراو بشرح زیر است :

کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذو الجلال والاكرام .

هذه روضة من ریاض الجنة آرامگاه حضرت سید المحققین و سید المدققین الحاج میرزا حسن مؤلف حواشی «قرآن حسن» و مصنف «فارسنامه ناصری» ابن میرزا حسن بن میرزا محمد مجتهدالدین بن صدرالدین بن سید علی خان شارح صحیفه سجادیه بن زید بن علی بن زین العابدین بن ابی عبدالله الحسین سید الشهداء بن امیر المؤمنین (ع)

آن مرحوم در سال ۱۲۳۷ قمری در فسا قدم بر مرصه گیتی نهاد و در یکشنبه بقیه ذیل صفحه بعد

» ... ناصرالدین بیضاوی در نظام التواریخ نوشته است که بانی مسجد جامع عتیق شیراز عمرو بن لیث صفار اول ملوک (۱) صفاریه است . در سال دویست و هشتاد و یک هجری (قمری) بنای مسجد جامع عتیق شیراز

بقیه باورقی صفحه قبل

۱۲ رجب ۱۳۱۶ قمری در شیراز بدار باقی رحلت فرمود و در جوارجد بزرگوارش که بانی و واقف این مدرسه منصوبه (است) مدفون گشت .

چون نوبت تولیت بآن مرحوم رسید مدرسه ویران و موقوفاتش بتصرف غاصبین بود - وی بمال و رجال خود بنای مدرسه را تجدید و موقوفات معلی را مسترد ساخت .

باشاره حضرت اشرف آقای میرزا علی اصغر خان حکمت وزیر معارف و اوقاف صبیحه زاده آن مرحوم (†) در زمان فرزندش آقای میرزا سید احمد مهندس این لوح نقش و حجاری شد .

۱۳۵۴ قمری مطابق ۱۳۱۴ شمسی

† جناب آقای حکمت استاد گرانقدر دانشگاه تهران از فحول دانشمندان و فضلاء و شعراء معاصر کشور و صاحب تألیفات بسیار است و شهرت جهانی دارد . معظم له چندین مرتبه بوزارت و سفارت رسیده و مخصوصاً دوره وزارت فرهنگ ایشان طولانی و خدمات بسیار گرانبھائی بفرهنگ کشور کرده اند که یکی از آنها تأسیس دانشگاه تهران و ساختن آرامگاه حافظ و سعدی میباشد . برای شرح حال مفصل معظم له رجوع شود به :

- ۱ - تاریخ ادبیات ادوارد برون جلد چهارم نوشته مرحوم رشید یاسمی .
- ۲ - دانشمندان و سخنسرایان فارس جلد دوم تألیف دانشمند محترم آقای آدمیت
- ۳ - تذکره شعرا معاصر ایران جلد دوم تألیف سید عبدالحمید خلیجالی
- ۴ - شیراز در گذشته و حال تألیف نگارنده .
- ۵ - شیراز در گذشته و حال تألیف آقای امداد .
- ۶ - شیراز امروز تألیف آقای مدرس صادقی .

- ۱- اول پادشاه صفاری « یعقوب بن لیث » است و پس از او برادرش « عمرو بن لیث » بسلطنت رسید . بنا بر این وی دومین ملوک صفاریه است .

را گذاشته . بعرض او رسانید ند که چندین چوب کلفت سخت هموار که سزاوار عمارت باشد در قریه « سروستان » در باغ پیر زالی زاهده است . پس بفرمود تا قیمت چوبها را داده قطع کرده بیاورند . پیر زال بعد از اطلاع بر واقعه بیمضایقه چوبها را بداد و اخذ قیمت را بوقت دیگر انداخت و خود بشیراز آمد و بکار گزاران سلطان گفت عمله و بناء را بیکار نگذارید و این چوبها را در عمارت مسجد بکار برید و هر چه را بقیمت دهید مضایقه نکنم . چون چوبها را بکار بردند ، پیر زال از گرفتن قیمت انکار نموده گفت : میخوام در مسجد شریک باشم ! پادشاه در غضب شده ، پیر زال بعرض رسانید : چرا پادشاه این مسجد را ساخت ؟ حضرت سلطان فرمود : برای خدایتعالی .

پیر زال گفت : از من نیز چنین باشد !

پادشاه پیر زال را ستایش فرمود .

در شیراز ، از قدیم تا کنون مشهور است که در میانه محراب و منبر مسجد جمعه دعا مستجاب میشود و هم مشهور است که این مسجد هر گز از اولیاء (خدا) خالی نباشد .

مرحوم فرصت الدوله در کتاب « آثار عجم » نوشته است که :

« ... مسجد جامع در محله بازار مرغ و آنرا « جامع عتیق » خوانند . بنای آن از « عمرو لیث » است که از جمله صفاریان بوده و ممالک فارس بحیطه تصرفش . در سنه دویست و هشتاد و یک هجری بوده . طول فضای آن قریب یکصد قدم و عرضش بمقدار شصت قدم (۱) مشتمل بر شبستانهای

متعدد و عمارات فوقانیہ .

« شاردن » سیاح معروف فرانسوی کہ در سال ۱۶۷۴ میلادی (۱۰۸۵ هجری قمری) سفری بشیراز کرده است در خصوص مسجد جامع عتیق شیراز چنین نوشته است :

« ... مسجد جمعه (جامع) کہ مسجد بزرگ شهر بشمار میرود بزرگترین مسجد قاره آسیا بوده است کہ از لحاظ بزرگی دو برابر مسجد جامع اصفهان میباشد و مجللتر از آن است . قسمتی از آن از سنگهای بزرگ ساخته شده و قسمتی دیگر از سنگهای مرمر تشکیل یافته است . حیاط آن کہ شکل مربع مستطیل دارد از هشت حوض کہ برای وضو گرفتن ساخته شده زینت مییابد (۱) بین این حوضهایک

بقیه باورقی صفحہ قبل

وضع کنونی مسجد بدینقرار است :

سمت شمال : در وسط طاق بزرگ کاشی کاری است و طرفین آن هر یک ۶ دهنه است (مجموعاً دوازده دهنه) - در سمت راست ، شبستان بزرگی است .

سمت مشرق : در وسط طاق بزرگی است و طرفین آن ۹ دهنه طاق است (یکطرف ۵ و طرف دیگر ۴ دهنه)

سمت جنوب : در وسط طاق بزرگی است کہ بہ شبستان بزرگ قدیمی منتهی میشود و طرفین آن هر یک شش دهنه است (مجموعاً ۱۲ دهنه) در طرفین این طاق دو شبستان بزرگ است یکی قدیمی و دیگری شبستان بزرگ جدید الاحداث کہ شرح آن بیاید .

سمت مغرب : دو مغرب طاق بزرگی نیست فقط ده دهنه طاق دارد .

۱- اکنون فقط سه حوض دارد .

محراب مربع مانند مشبکی است که دارای در آهنی میباشد (۱) و در آن محراب يك جلد قرآن كه بخط امام موسی (۲) یکی از دوازده جانشین اولی پیغمبر (ص) آنها (۳) باضافه اسلحه هائیکه در هنگام جنگ مورد استفاده این امام بوده، قرار گرفته است.

این مسجد دارای عده زیادی اطاق است که وصف آنها برباط و قلم در نمی آید.

مسجد جمعه دارای چهار در ورودی است که در اصلی آن ازسنگ مرمر روسازی شده ولی باتمام این اوصاف مسجد مورد بحث فاقد تعمیرات ضروری و لازم در تمام قسمتهایش میباشد.

« مادام دیولاقوا » که در سال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۹۸ هـ . ق) بایران سفر کرده ضمن سفرنامه خود درمورد مسجد جمعه شیراز چنین نوشته است :

« ... مهمترین مسجد قدیمی شیراز مسجدی است که در سال ۸۷۵ (میلادی) در دوران اقتدار « عمرو لیث صفاری » ساخته شده است. این مسجد دیدنی و قابل اهمیت است . عمرو لیث بواسطه عدل و انصافی که داشته و جنگهایی که با خلفاء بغداد میکرده مشهور شده است ... باری این مسجد قدیمی باوجود خرابی طاقها و شکست دیوارها که

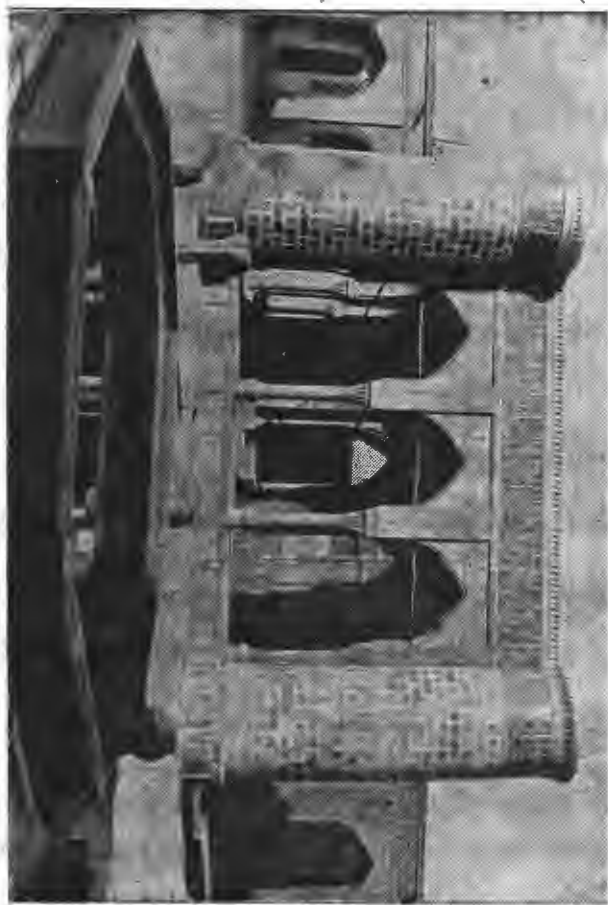
۱- مقصود «دارالمصنف» یا «خدای خانه» است که ذکر آن بیاید.

۲- مقصود امام موسی کاظم (ع) میباشد.

۳- غرض مسلمانان و شیعیان است.

بواسطه زلزله در آن راه یافته هنوز هم منظره باشکوه خود را حفظ کرده است .

در وسط حیاط آن بجای حوض معمولی ، بنای کوچک مربعی وجود دارد که با سنگ ساخته شده است و در هر يك از زوایا بیرج کم ارتفاعی تکیه دارد . راهنمایان میگویند که این بنا ، نسخه ثانی خانه کعبه است . این بنادر شیراز بنام « خداخانه » معروف است . بام آن خراب



خداخانه و حوض چلر آن

شده و منظره حزن آوری دارد. کتیبه‌ای از کاشی مینامی فیروزه‌ای در بالای برجها در سنك دیده میشود که ساختمان خداخانه در سال ۱۴۵۰ میلادی پایان رسیده است (۱) البته این تاریخ مربوط بهمین ساختمان است و به بنای مسجد مربوط نیست.

در حین گردش در اطراف خداخانه، سنك سیاهی برخوردیم که در کنار این ساختمان، در میان مصالح خراب، افتاده بود و آنرا «دیگ» می‌گفتند. (۲)

بنظر من این نام شایسته این سنك نیست و بایستی آنرا بمنزله «حجر الاسود» که به فرض کرد و عجب تر آنکه جنس آن از سنك سماق است و از حیث شکل و تزئین مانند ته ستونهای قصور هخامنشی بر سپلیس (۳) است.

هرگاه سیاحان اروپائی دیگری هم قبل از ما بسیاحت مسجد جمعه رفته بودند این روایت که شهر شیراز پس از خرابی استخر ایجاد شده است باطل میشد زیرا بنظر من این ته ستون که اهالی شیراز نسل اندر

۱- باید دانست که کتیبه خداخانه که شرح آن مفصلا بیاید از کاشی نیست بلکه ابتدا روی سنك سفید نوشته و اطراف آنرا نقر کرده‌اند بطوری که نوشته سنگی برجسته مانده و سپس جای خالی شده را با کاشیهای معرق پر کرده‌اند و این نوع کتیبه در تمام ایران بی نظیر است.

۲- این سنك سیاه که عوام آنرا «دیک امام حسن» مینامیدند هنوز باقی است و فعلا آنرا در جلو خداخانه بعنوان پله قرار داده‌اند و موجود است و البته نه دیک است و نه بامام حسن مربوط میباشد!

۳- مقصود تخت جمشید است!

نسل احترام آنرا نگهداشته اند ممکن نیست که مخفیانه از پرسپلیس باینجا آمده باشد. بعلاوه چنین انتقالی کاملاً مخالف افکار و عادات اعراب است. بنابراین میتوان یقین حاصل کرد که در زمان «داریوش و خشایارشا» در محل شیراز کنونی شهر آبادی وجود داشته که با بنای سنگی زینت یافته بوده و این سنگ هم متعلق بآن بنا بوده است.

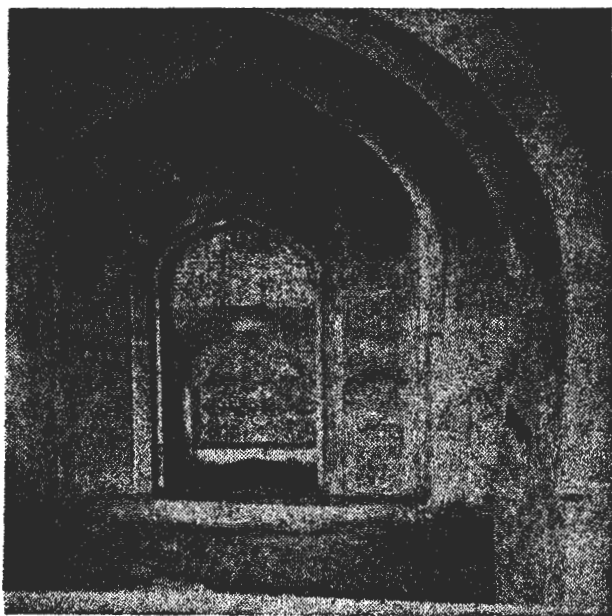
شاید هم موقعیکه فاتحین اسلام، فارس را فتح کردند اثری از این شهر قدیمی برجای نمانده بوده است و در هر حال نمیتوان تصور کرد که شاهان هخامنشی قصور سنگی خود را دور از شهر آباد و پرجمعیتی بنا کرده باشند و البته در اینجا شهری بوده و نمیتوان قبول کرد در مملکتی که در آن دشتهای حاصلخیز و پر آب کمیاب بوده، دره شیراز در دوران ترقی ایران باستان، متروک مانده باشد. آنهم در زمانی که شاهان بزرگ ایران اقامتگاه خود را در وطن اصلی بر سایر جاها ترجیح میدادند.

تنها این سنگ، این فکر را در خاطر من ایجاد نکرد بلکه بنای دیگری هم که در هوای شهر شیراز با اسلوب کاخهای پرسپلیس ساخته شده (۱) و قطعه‌هایی که در مجاورت این بنا بوده و چاههای عمیق تنگه «الله اکبر» (۲)

- ۱- مقصود خرابه «قصر ابو نصر» است که در يك فرسنگی مشرق شیراز واقع است. برای دانستن اطلاعات زیادتری رجوع شود بکتاب «آثار عجم»
- ۲- مقصود چاه عیقی است که در کوه مشرف بتنگ سعدی واقع است و هوام آنرا «چاه قلعه بندر» نامند و گویند اصل آن «پهن دژ - فهندژ» بوده است و نظیر چاهی است که در تخت جمشید می باشد. برای اطلاعات زیادتر رجوع شود بکتاب «شدالازار» ذیل صفحات ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶.

همه این فرض را تأیید میکند که مسلماً در زمان قدیم آبادیها و شهرهای بزرگی در این ناحیه وجود داشته است (۱)

پس از مطالعه بنای « خداخانه » براهنمائی ملایمی که همراه ما بود بطرف قسمت قدیمی مسجد رفتیم - در اینجا تالار طویل و بزرگی است و در انتهای آن يك محراب سنگی وجود دارد که چندان ظرافت و هنرمندی در آن بکار نرفته است ولی در بالای این محراب سقفی است که بسیار جالب توجه است . این سقف با عاج و چوب سدر با منتهای



محراب مسجد جمعه

۱- این نظریه «مادام دیولافوا» کاملاً صائب و صحیح بوده است چه اخیراً ثابت شده است که برخلاف نوشته‌های مورخین بعد از اسلام، شهر شیراز بقیه ذیل صفحه بعد

هنرمندی و ظرافت خاتمکاری شده و خوب محفوظ مانده و بسی عالیترا
از خاتم سازی امروزی است که در بازار شیراز معمول است . (۱)
ملای راهنمای ما مرد بسیار خوبی بود - همه جای مسجد ، حتی
زوایای تاریک را هم بما نشان داد . در نزدیکی درب بزرگ خارجی ،
اطاق کوچک تاریکی را بمن نشان داد که در آن سنگابی از سنک
سماق وجود داشت . این سنگاب بشکل منشور بسیار قشنگی تراشیده
شده و دارای دوازده سطح است و هر سطحی از سطح مجاور خود بوسیله
ستون کوچکی جدا میشود و هر ستون هم از روی قاعده ای که بشکل
گلدان بسیار ظریفی است قرار دارد . (۲)

خلاصه مسجد جامع شیراز با وجود خرابیها و آسیبهاییکه دیده و

بقیه پاورقی صفحه قبل
بعد از اسلام ایجاد نشده بلکه در زمان هخامنشیان وجود داشته است زیرا
چند سال پیش ضمن خاکبرداریهای تخت جمشید مقداری الواح گلی که
بر روی آنها کتیبه های بخط میخی نگاشته شده بود ، بدست آمد و پس از
اینکه علمای فن امریکایی آنها را خواندند ، معلوم شد که اسناد خرجهایی
هستند که در زمان سلاطین هخامنشی تهیه شده است و متن یکی از آنها
حاکی بود که در سال نوزدهم سلطنت «خشارشا» مشتی عمده «در شیراز»
(ببارت خشت مزبور - شی رازی پیش) مشغول کار بوده اند و اجرت یکماهه
آنها به «مکابیروس» که سرپرست آنها بوده پرداخته شده است (برای
اطلاعات زیادتری مراجعه شود بکتاب «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»
تألیف نگارنده این رساله)

- ۱- قسمتی از این سقف هنوز باقی است و در موزه پارس نگهداشته میشود
- ۲- شرح این سنگاب و وضع کنونی آن پیش از این مذکور گردید .

از زیبایی آن کاسته شده است ، به عقیده من یکی از اینیه بسیار جالب توجه ایران است .

وجود بنائی شبیه به « کعبه » که در مرکز حیاط واقع شده و ته ستون هخامنشی که در کنار دیوار آن افتاده و محراب و سقف قشنگ خاتم کاری و سنگاب ظریف که از سنگ سماق ساخته شده و شاید آنرا از يك بنای قدیمی باینجا آورده باشند ، همه من حیث المجموع ، دقت علمای باستان شناس را بخود جلب میکند .

چنین بنظر میآید که تمام مساجد شیراز را از روی نقشه مسجد جمعه ساخته باشند . مخصوصاً مسجد نو که در سال ۱۳۰۰ میلادی بنا شده کاملاً شبیه بآن است و هنوز هم بنام مسجد نو (۱) معروف است .



۲- چون این مسجد (که بمسجد سعد انابك هم معروف است) بعد از مسجد «جامع عتیق» ساخته شده از اینجهت به «مسجد جامع نو» و یا «مسجد نو» اشتهاار یافته است .

تعمیرات مسجد جمعه در عرض هزار سال اخیر

مسجد جمعه در اثر مرور زمان رو بویرانی نهاده و مخصوصاً زلزله‌هایی که در شیراز حادث شده، بر خرابی آن افزوده است و لذا در ادوار مختلفه، از طرف امراء و سلاطین چندی مرمت و تعمیر شده است.

مرحوم فرصت‌الدوله در آثار عجم نوشته است که:

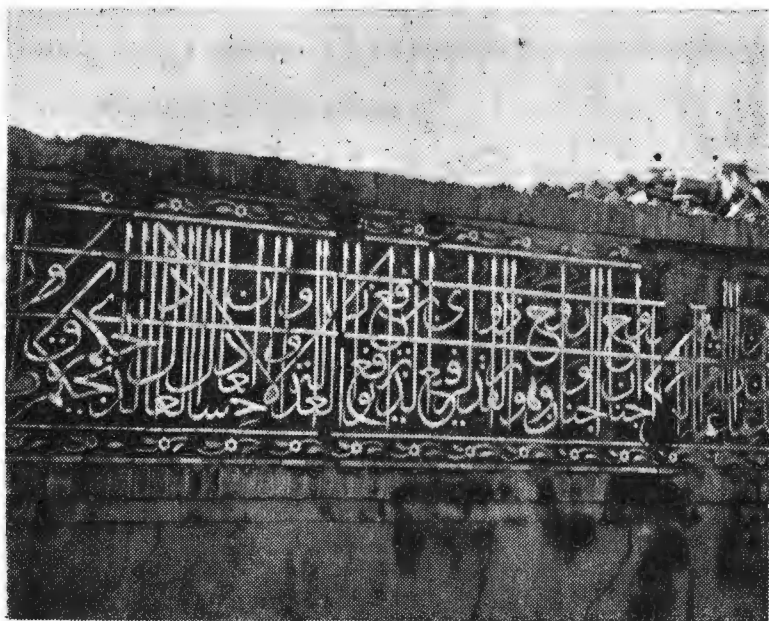
«... چندین مرتبه مرمت شده - مرتبه‌ای در زمان اتابکان - وقتی

در زمان «سلطان ابراهیم میرزا ابن شاه رخ گورگانی» - همچنین در زمان صفویه ...»

در مدخل تالار شبستان جنوبی که کاشی کاری عهد صفویه است کتیبه‌ایست که روی آن سنه تسعمائه و سبعین و ثلث (۹۷۳) دیده میشود و می‌رساند که در آن تاریخ (زمان سلطنت شاه طهماسب اول) در آن تعمیراتی شده است. بالای سردر ورودی شبستان بزرگ جنوبی کتیبه‌ای است بسیار عالی که بخط ثلث پیچیده خیلی زیبا نگاشته شده است ولی متأسفانه قسمتهای بسیاری از آن ریخته و بقیه هم ضمن تعمیرات اخیر برداشته‌اند.

این کتیبه‌عالی در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴.ق)

که تعمیراتی در این مسجد صورت گرفته ، نگاشته شده است .



کتیبه خط ثلث بالای سردر جنوبی که در نوع خود بی نظیر است

در زیر همین طاق ، کتیبه ایست بسیار عالی که نظیر آن در حسن خط یافت نمیشود . این خط که یادگار خوشنویسان زبردست قدیم است تکرار عبارت (طرح هر اساس وسیع گریاس که مهندس نیز حدس صحیح القیاس که ذی قضا) میباشد که چندین مرتبه پشت سرهم تکرار شده است .

آقای واجد معتقد اند که این عبارت از کتیبه ای که در اینجا بوده ، باقیمانده و بقیه آن ریخته و هنگام تعمیرات اوایل قرن اخیر (و شاید در زمان صفویه) چون دیده اند که خیلی عالی و نفیس است از روی آن

کرده برداشته و در اینجا آنرا تکرار کرده اند .

در زمان سلطنت شاه عباس کبیر (۹۹۶-۱۰۳۸ ه. ق .) تعمیرات مفصلی در این مسجد صورت گرفته است که متصدی آن «امام قلیخان» فرمانروای فارس و بنادر بوده است .

بالای دری که از کرباس شبستان بزرگ جنوبی گذشته بسمت در غربی می‌رود ، کتیبه‌ایست که باخط بسیار عالی و زیبای ثلث نگاشته شده و متن آن چنین است :

«قال الله سبحانه تبارك وتعالى - ان المتقين في جنات وعيون - ادخلوها بسلام آمنین . و نزعنا ما في صدورهم من غل اخوانا على سرر متقابلین . صدق الله العلی العظم . عبده صیر فی - ۲۶ ری .» (۱)

مسلم است که این کتیبه از کتیبه‌های دوره صفوی است و مقصود از «۲۶» سنه «۱۰۲۶» می‌باشد که دو رقم اول آن ریخته است (و اکنون جای ریختگی آن باقی است) زیرا که در کتیبه سردر غربی (نزدیک و در امتداد همین کتیبه) نیز که ذیلا نقل میشود ، سنه «۱۰۲۷» نوشته شده و پیداست که ایندو کتیبه باهم نوشته شده ، منتهی بین تعمیرات و کاشی کاریهای کرباس و اطراف آن تا سردر غربی یکسالی طول کشیده است . سردر غربی . یکی از سردر های غربی مسجد جامع که از نظر معماری اهمیت زیادی دارد سردری است که باصطلاح معماری « یزدی بندی» است و دارای مقرنس و معرق کاری است و این طرز ساختمان سردر مابین سردر های مسجد جامع منحصر بفرد است و چند

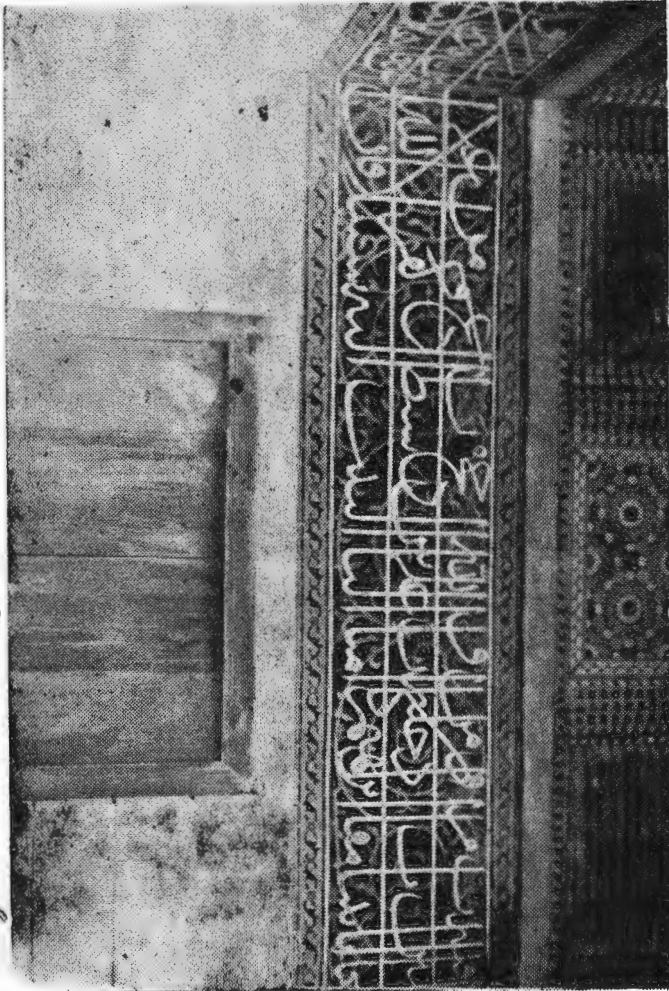
سال پیش بوسیله اداره باستانشناسی باه تمام آقای جلال الدین پیرزاده تعمیر و مرمت شده و کتیبه اطراف سردر مزبور تکمیل گردیده است و اکنون در شبستان بزرگ جدیدالاحداث باز میشود.

متن کتیبه آن که بر روی کاشی معرق بخط ثلث عالی نوشته شده چنین است :



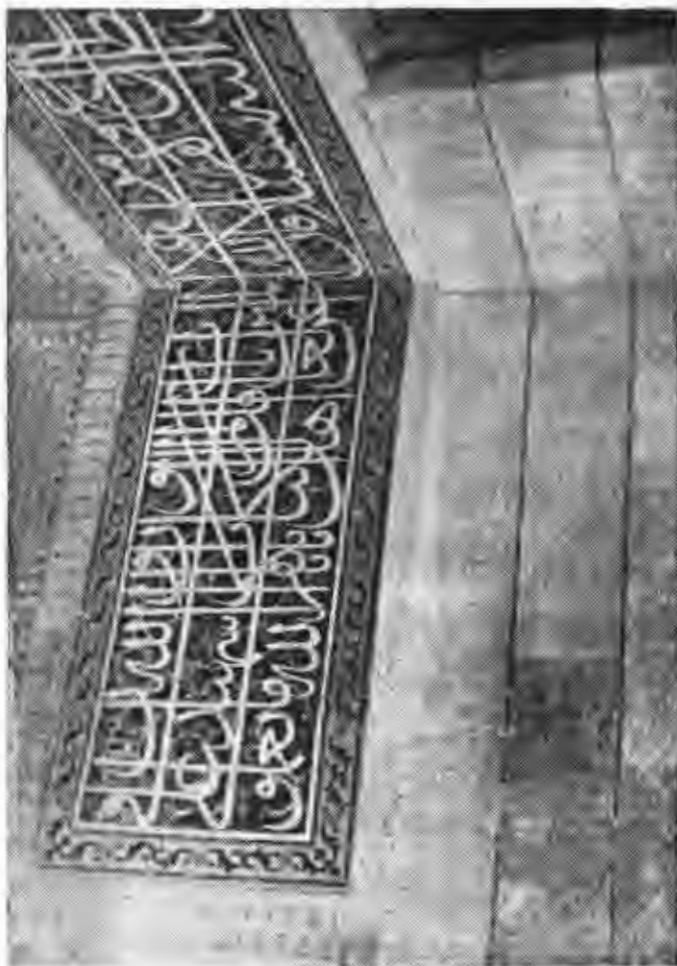
این کتیبه مهم سردر غریبی - قسمت اول

«قال الله سبحانه تبارك وتعالى . ان اول بيت وضع للناس للذي
 ببكة مباركا وهدى للعالمين فيه ايات بينات مقام ابراهيم و من
 دخله كان آمنا و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا
 ومن كفر فان الله غنى على العالمين . قل يا اهل الكتاب لم تكفرون
 بآيات الله والله شهيد على ما تعملون ١٠٢٧»



عين كتيبه مهم سر در قري - قسمت وسط

سر در شمالی . مهمترین سر در مسجد جامع همین سر در است که امروزه آنرا « در دوازده امام » نامند . (۱)



عین کتیبه مهم سر در غربی - قسمت آخر

۱- ضمن همین تمییرات ، اسامی «دوازده امام» را در چهار کتیبه در جزای طرفین این سر در نوشته اند و لذا از آن تاریخ آنرا «دوب دوازده امام» نامیده اند چنانکه ذکر آن گذشت .

این سر در مقرنس کاری زیبایی با کاشی دارد و بالای در ورودی آن
کتیبه ایست بسیار خوش خط و زیبا که بخط «علی جوهری» کاتب
و خوشنویس آن

دوره نوشته شده و
خوشبختانه همه سالم
مانده است و عین آن
کتیبه چنین است :

« الحمد لله الذی
اسس اساس الدین
المبین بشریعة محمد
سید الاولین والاخرین
و الصلوة والسلام
علی من هو مخاطب
بامین الملک والاملة
واله المعصومین .

و اما بعد وفق
بتجدید هذالیت العتیق
فی زمن خلافة خلیفة الله

سر در شمالی مسجد جمعه
معروف به :
(در ب دوازده امام)

فی الارضین قهرمان الماء والطین السلطان بن السلطان بن السلطان
ابوالمظفر شامة عباس الصفوی الحسنی الحسینی بهادر خان
خلد الله تعالی سلکة و سلطانه و افاض بره و احسانه علی العالمین -
الوالی من قبله الخان العادل امیر الامراء فی الزمان ناشر المعدلة
والبر والاحسان امامقلی خان الواثق بعناية رحمة ربه المبین محمد
رضا المخاطب بامین الملک الشیرازی کتبه غیاث الدین علی الجوهری
فی سنة ١٠٣١



پیداست که تعمیرات ابن سردر دنباله تعمیرات مفصلی است که در زمان شاه عباس صورت گرفته و معلوم میشود که این تعمیرات از سال ۱۰۲۶ تا سال ۱۰۳۱ طول کشیده است .

در جزر غربی سردر بزرگ شبستان جنوبی ، هم اکنون سنگی سه پارچه است که بالای آن بخط درشت نوشته شده است :

((ابوالمظفر عباس بهادر خان))

و در زیر آن کتیبه ایست که متأسفانه نصف آن از بین رفته است و چنین بنظر میرسد که کتیبه مزبور فرمانی است که از طرف شاه عباس کبیر برای آمایش تجارت صادر شده و متن آن ، برای اطلاع عموم ، در مسجد جامع عتیق بر سنگی نگاشته و نصب شده است :

« نذکره تیمناً - الحمد لواءه العطیات . مالک البریات که ذات ملکی برکات اشرف انفس نواب کامبخش کامیاب در برج شاهی - در درج پادشاهی خلف خاندان نبوت و ولایت خلیفه دودمان صفوت و هدایت ذوالخلافة الابدیة والسلطنة السرمدیة الاخلاق المحمدیه الموید من عند الله الملك المنان « ابوالمظفر عباس بهادر خان » اللهم اید و خلد ظلال خلافته و ملکته و معدنقه الی انقراض الزمان (که) واسطه خیر و احسان و باعث استقامت عالم و عالمیان است بنا بر رفاهیت حال صواحب تجارت که کسب حلال تجارت اختیار نموده سیاران براری و بحار و متحملان شدائد اسفار در لیل و نهار و متوسطان معموری بلاد و امصار اند فرمان قضا جریان نافذ فرموده اند ... »

در سال یک هزار و نود و دو هجری قمری ، در زمان سلطنت شاه

سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۹۶ ه. ق) نیز یکبار دیگر مسجد مزبور تعمیر و مرمت شده است و « حاج میرزا حسن » در کتاب « فارسنامه ناصری » در اینخصوص چنین نوشته است :

« ... در سال هزار و نود و دو ، نواب « امام وردی بیگ خلف بیگی » والی مملکت فارس این مسجد را تعمیری لایق فرمود .

برای تاریخ این تعمیر در پهلوی چپ منبر چهل پله (۲) (۱) چوبی آن مسجد ، بر سنگی ابیات زیر را نوشته اند :

فروغ اختر همت « امام وردی بیگ »

که اقتباس کند مهر از ضمیرش نور
بفهم و رأی و فراست در انجمن ، قانون

بعقل و دانش و فرهنگ در جهان ، دستور
همانکه بسته بمعموری جهان همت

مهر اراده که باشد ، شود زحق منصور
زفیض ، ساخته تا مسجد عتیق آباد

شده است ورد ملک « ان سعیکم مشکور »
زهی بنا که درو میرسد زغیب بگوش

مدام زمزمه « ان ربنا لغفور »
دلم زغنچه نهان خواست سال تعمیرش

چو گل بخنده خرد گفت با نشاط و سرور

بگو بیاری توفیق ذوالجلال و دود

«اساس کعبه دین شد بسی او معمور» (۱)

(۱۰۹۲)

کریمنخان زند و مسجد جمعه . بطوریکه مشهور است وقتی که
 «کریمنخان - وکیل الرعایا» (۲) در شیراز سلطنت داشت و مشغول
 تعمیرات بقاع متبرکه و آثار تاریخی بود ، بفکر تعمیر مسجد جمعه نیز افتاد
 و مشغول مرمت آن گردید اما دید که مخارج برداشتن نخاله‌ها و دوباره
 ساختن آن خیلی بیش از ساختن يك مسجد علیحده است از اینرو از
 تعمیر مسجد جامع عتیق منصرف شد و سپس بساختن مسجد وکیل
 پرداخت و مسجد جمعه بهمان حال خرابی و ویرانی باقیماند .

۱- این کتیبه هم اکنون باقی است .

۲- کریمنخان زند که او را « وکیل الرعایا » هم گویند از پادشاهان
 شریف و نیک نفس و خوش نیت ایران است که از سال ۱۱۷۱ ه . ق در قسمت
 مهمی از ایران سلطنت کرده است .

آمرحوم عشق و افری بتأمین رفاه و آسایش مردم رمخصوصاً عمارت و
 آبادانی داشته و لذا در عرض مدت ۲۲ سالی که در شیراز سلطنت داشته ،
 ابنیه و عمارات بسیار محکم و زیبایی ساخته که بنام « ابنیه وکیل »
 معروف اند و آنهاست که تا این تاریخ بخوبی باقیمانده عبارتند از :

۱- مسجد جامع وکیل

۲- بازار وکیل

۳- عمارت هفت تنان

۴- عمارت چهل تنان

۵- حافظیه

بقیه در صفحه بعد

۶- حمام و آب انبار وکیل

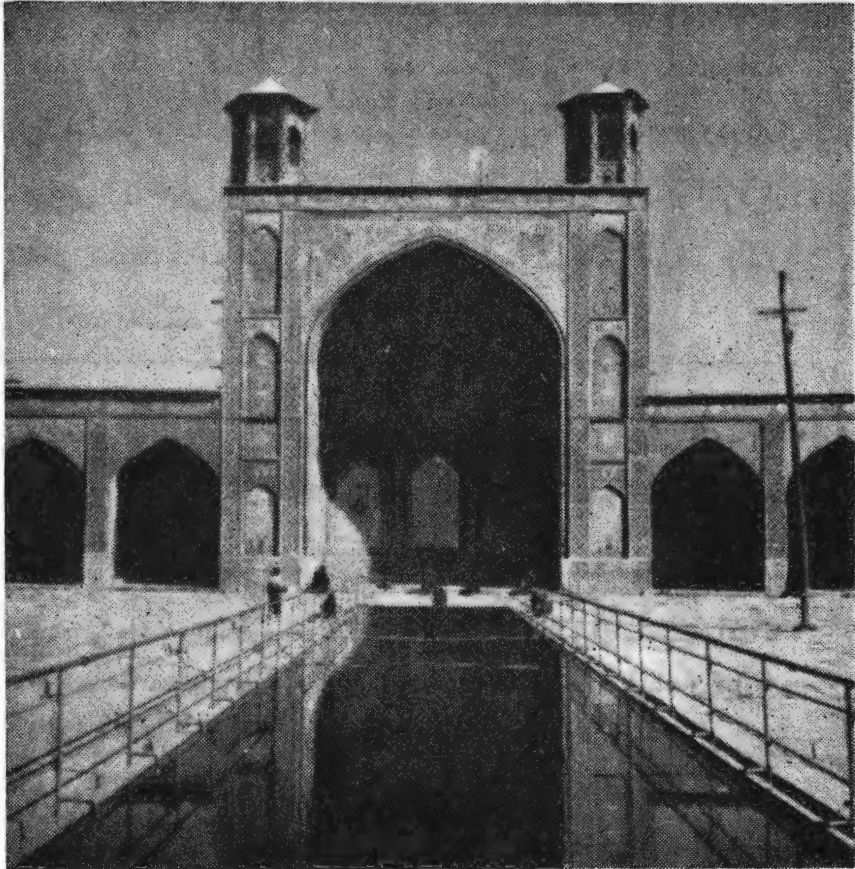
بقیه پاورقی صفحه قبل

۷ - عمارت کلاه فرنگی که اکنون موزه پارس است

۸ - ارگ که فعلاً زندان است

۹ - عمارت پست و تلگراف قدیم

۱۰ - باغ نظر (باغ موزه)



طاق شمالی مسجد جامع وکیل که از لحاظ کاشی کاری خیلی مهم است

بقیه پاورقی در صفحه بعد

دنباله باورقی صفحه قبل

کریمخان در سال ۱۱۹۳ زندگی را بدرود گفت و این شعر را برای ماده تاریخ او ساخته اند :

کریم زند چو از دار بقرار گذشت

سه از نود ، نود از صد ، صد از هزار گذشت

ابتدا جسد او را در مارت کلاه فرنگی که بهمین منظور ساخته بود مدفون ساختند ولی بعداً « آقامحمدخان قاجار » استخوانهای او را بیرون آورده بتهران برد و در زیر پلکان کاخ گلستان مدفون ساخت :

در سال ۱۳۰۴ هـ . ش بامر « اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر » بقایای استخوانهای او را بیرون آورده و در قم (مجاور قبر شاه صفی و شاه سلطان حسین صفوی) بخاک سپردند .



آخرین تعمیرات

درائر مرور زمان و مخصوصاً زلزله های متوالی متأسفانه مسجد جامع عتیق اخیراً بقدری مخروبه و ویرانه شده بود که از صورت اصلی خارج شده و محل ریختن خاک و زباله گردیده بود و همانطوریکه مرحوم « فرصت الدوله » در آثار عجم نوشته است :

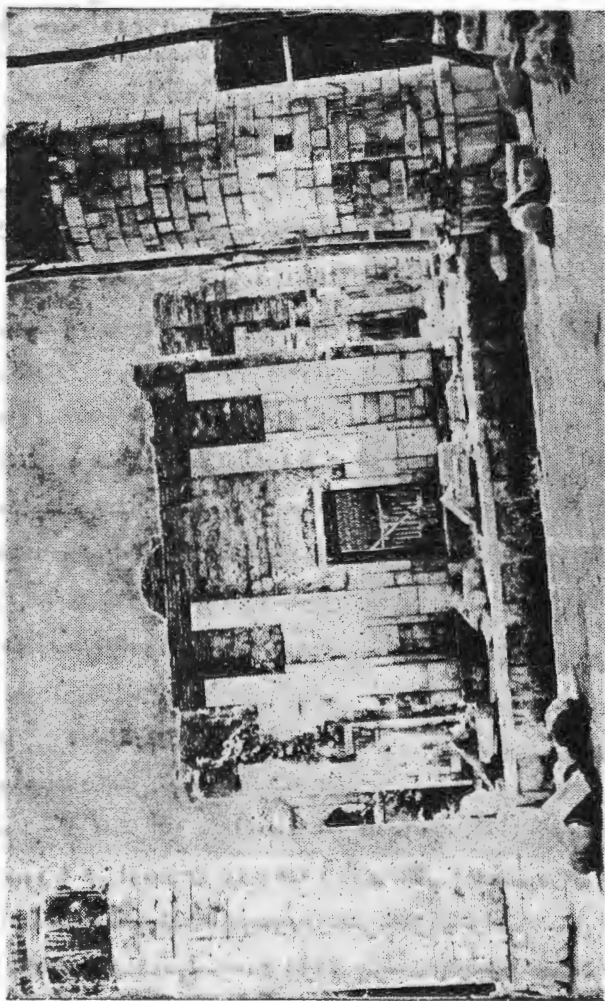
« عالیها سافلها شده !! »

خرابی آن بحدی بود که اگر کسی میخواست آنرا تعمیر کند ناگزیر به تجدید بنیان آن بود و آنهم بواسطه سنگینی مخارج از عهده کسی بر نمی آمد چنانکه بهمین سبب گرمخان و کیل از تعمیر و مرمت آن منصرف گردید .

علاوه بر آن در السنه وافواه چنین شهرت داشت که اگر کسی بتعمیر مسجد پردازد فوری میمیرد و لذا کسی جرأت تعمیر آنرا نمی نمود ! علاوه بر ویرانی و خرابی طاقها و شبستانها، تل انبوهی از نخاله و خاک و زباله در هر قسمتی از آن انباشته شده بود که انتقال آنها محتاج بیول زیادی بود .

بهمین جهت وقتی که در سال ۱۳۱۵ شمسی اداره باستانشناسی فارس تأسیس شد و خواستند تعمیراتی در آن بنمایند مشاهده کردند که قابل تعمیر نیست و بدستور مرحوم سرلشکر علی ریاضی رئیس فرهنگ

آنوقت فارس فقط دور خدایخانه را دیواری کشیدند تا محفوظ بماند
 و از مرمت بقیه مسجد مایوس گردیدند !
 وضع ناهنجار این مسجد و ویرانی بی اندازه آن موجب تأسف و تأثر
 عمومی بود و پیش از همه آیت الله فقید مرحوم حاج شیخ یوسف جدائی



نمونه ویرانیهای سابق مسجد جمعه

اعلی الله مقامه که از علماء و مجتهدین مبرز و محترم شیراز بود او خراجی و ویرانی این مسجد متاثر و متأسف بود (۱) و لذا در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ هجری شمسی مردم برای تعمیر و حرمت مسجد مزبور تشویق کرد. آن مرحوم در عرض مدت سه سال متجاوز از یکصد هزار ریال جمع آوری و بمصرف تعمیرات رسانید.

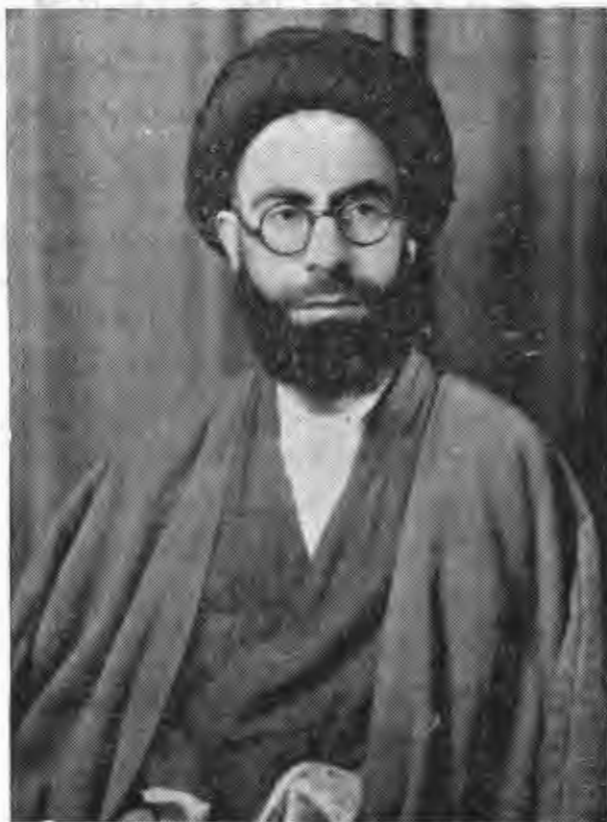


مرحوم آیت الله
حاج شیخ یوسف حدائق

۱- مرحوم حجة الاسلام آیت الله آقای حاج شیخ یوسف حدائق از علماء مبرز و مجتهدین محترم شیراز بود که در فنون ادب و علوم قدیمه و فقه و اصول و مخصوصاً زبان و ادبیات عربی تبحر کامل داشت. فقیه سعید از آزادی خواهان و روشنفکران معروف صدر مشروطیت بود و در راه تعمیم فرهنگ و استقرار مشروطیت مجاهدت بسیار نمود و لذا مردم حق شناس شیراز هنگام انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی او را بعنوان «مجتهد طراز اول» انتخاب نمودند. آن مرحوم در نوشتن قانون اساسی شرکت داشت و در واقعه بتوب بستن مجلس شورای ملی بازحمات زیاد فرار

نمود و از راه ترکیه بمکه معظمه مشرف گردید. فقیه سعید سالها در مدرسه منصوبیه شیراز مدرس بود و عده زیادی طلاب از محضر درس ایشان استفاده و استفادگی میکردند. آن مرحوم در حسن خلق و تواضع بی مثل بود و در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی بر حمت ایزدی پیوست و در جوار حضرت شاهچراغ (ع) مدفون گردید.

سپس روز اول ماه مبارك و رمضان سال ۱۳۶۱ هجری از آیت الله آقای حاج سید عبدالعسین دستغیب (۱) دعوت کرد که امامت مسجد جمعه را بپذیرد و همانروز اول خود بایشان اقتدا کرد و سپس بمنسب رفته و مردم را بشارت در تعمیرات مسجد و دادن اعانه تشویق فرمودند.



۱ - حضرت
آیت الله آقای
حاج سید
عبدالعسین
دستغیب امام
کنونی مسجد
جمعه از
خانواده
بزرگ و
معروف
روحانی
دستغیب شیراز
و فرزند
مرحوم
سجده الاسلام
آقای میرزا
محمد تقی مجتهد
میباشند.
آقای حاج

دستغیب
آیت الله آقای حاج سید عبدالعسین دستغیب
مقدمات ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و ادب شیراز تحصیل کرده و معتمد برای
بقیه ذیل صفحه بعد

از همان روز طبقات مختلفه مردم باشوق و علاقمندی و افری در تعمیر و مرمت مسجد شرکت کردند .

سرتاسر آنماه روزهای جمعه خود آقای حاج دستغیب وعده زیادی از مردم در مسجد جمعه حاضر شده و نهضاله هارا بر میداشتند و « قر بقاء الی الله » مانند یکنفر عمله کار میکردند .

سپس عده زیادی از مؤمنین و مسلمانان پاك نهاد بدادن اعانه پرداختند و حتی زنهای زینت آلات خود را در راه تعمیر « خانه خدا » اهداء کردند . جمعی دیگر هر کدام تعمیر قسمتی از مسجد را تقبل کردند بطوریکه اگر بخواهند میزان پولی را که در راه تعمیر و مرمت این مسجد بمصرف

بقیه پاورقی صفحه قبل

تکمیل آنها بنجف اشرف مشرف گردید و پس از اینکه بدرجه اجتهاد رسید بشیراز مراجعت کردند و ابتدا در مسجد باقرخان بامامت پرداختند و سپس چون جمعیت زیاد شد بمسجد طبالیان رفتند و چون درجه علم و فضیلت وزهد و تقوای معظم له مورد توجه عمومی گردید وعده زیادی هنگام اقامه نماز بایشان اقتدا میکردند و در مسجد طبالیان جا کم بود دعوت مرحوم حدائق را پذیرفته و در مسجد جامع عتیق باقامه نماز پرداختند .

آقای حاج دستغیب در حسن خلق و تواضع و مردم داری بی نظیر و در زهد و ورع و تقوا معروفیت بسیاری دارند و بهمین سبب امروزه در شیراز و در میان مردم محبوبیت زیادی دارند و مرجع عمومی است

انتقال آقای حاج دستغیب بمسجد جمعه بزرگترین قدمی برای تعمیرات این مسجد بود زیرا که عمران و آبادی و احیاء این مسجد مرهون کوششها و تشویقهای معظم له است که چون عموم طبقات بایشان ایمان و علاقه قلبی دارند و مورد اعتماد عمومی میباشند ، همیشه باشاره ایشان کمکهای بیدریغ خود را در این راه میندول داشته و میدارند .

رسیده حساب کنند از میلیون ها متجاوز است .
 بدیهی است وجود آیت الله آقای حاج دستغیب و علاقمندی و آفری که
 عموم طبقات بمعظم له دارند سبب عمده و اصلی احیاء این مسجد گردیده
 و تعمیرات آن بدین ترتیب صورت گرفته است :

۱ - قسمت شمالی مسجد را مرحوم حاج علی آقا قایل با هزینه خود و اعاناتی
 که جمیع آوری نمود تحت نظر آقای سید حسن ذوالنور معمار مرمت کرد .



طاق شمالی که از طاقهای زیبا و مهم مسجد جامر است

۲ - قسمت غربی - را مرحوم حاج مصطفی اسلامی بهزینه خود تحت نظر آقای حاج حسینعلی اسلامی پی ریزی و ساختمان کرد .

۳ - قسمت شرقی بوسیله اعانات جمع آوری شده تحت نظر مرحوم حاج حسین آقا جمشیدی تعمیر گردید .

۴ - شبستان جنوبی که منبر ۱۴ پله در آن است بوسیله اعانات و تحت نظر مرحوم جمشیدی و بمعماری حاج محمد فصاحتی تعمیر گردید .

۵ - سنك فرش مسجد و سه حوض آن را بوسیله اعانات و تحت نظر مرحوم حاج عبدالوهاب احراری مرمت گردید .

۶ - سردر شمالی (سردر دوازده امام) دهمچنین سردر های شمال غربی و شمال شرقی و جنوب شرقی بوسیله اعانات و تحت نظر مرحوم جمشیدی تعمیر شد .

شبستان بزرگ جدید

در زاویه جنوب غربی مسجد که طاقهای آن فرو ریخته بود ، در طول سالهای متمادی ، نخاله ها و خاک و به های زیادی انباشته شده بود بطوریکه تل بزرگی را تشکیل میداد و هر کسی که آنرا میدید باور نمیکرد که روزی بتوان آنهمه نخاله ها را برداشت و بجای آن شبستانی ساخت ! ولی تشویقهای حضرت آقای حاج دستغیب و محبوبیت معظم له موجب گردید که جمعی از متدینین و مردم با ایمان همت و فتوت بخرج دهند و بمضمون :

« همم الرجال تطلع الجبال »

با جمع آوری اعانات و کوششهای بسیار موفق شدند که آن تل

بزرگ نخله و خاکروبه ها را با مخارج هنگفت بردارند و بجای آن يك شبستان بزرگ و سالن وسیع و مجللی که طولش متجاوز از ۴۰ متر و عرضش در حدود ۲۳ متر است با بتون آرمه و تیرهای آهن بسبك بسیار زیبایی بسازند و خوشبختانه هم اکنون ساختن و تزئینات آن نزدیک با تمام است. مخارج برداشتن نخله ها و ساختن این شبستان متجاوز از ده میلیون ریال گردیده است.

نقشه شبستان را آقای مهندس صدر هاشمی ترسیم کرده و آقای فیضایی معمار و بعد از ایشان استاد جلال معمار آنرا ساخته اند.

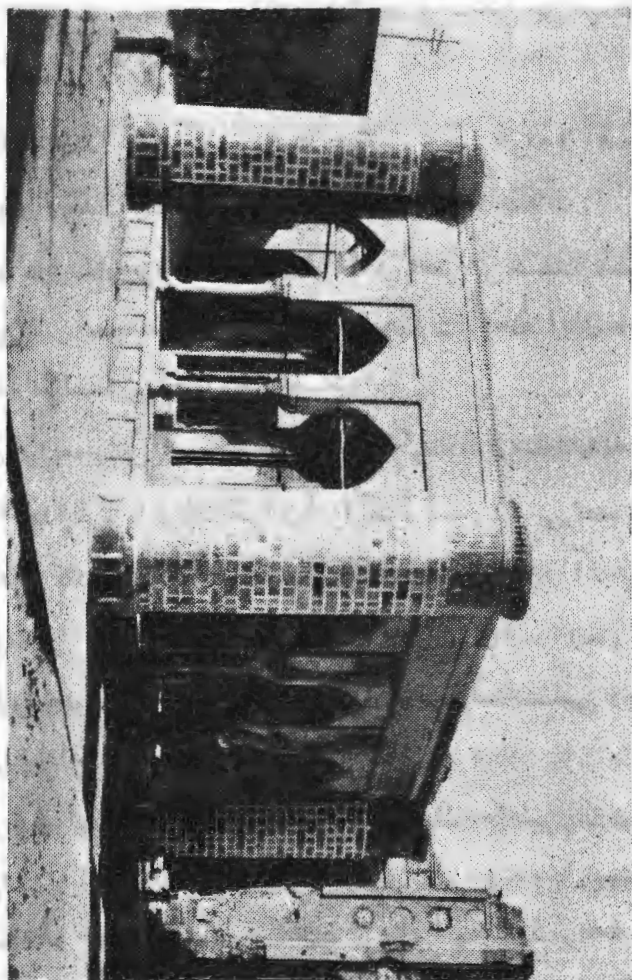
موفقیت در اینکار بزرگ و اتمام تعمیرات و ساختن این شبستان وسیع و مجلل و بی نظیر مسجد جمعه مرهون وجود حضرت آیه الله آقای حاج دستغیب متع الله المسلمین بطول بقائه میباشد.

علاوه بر این تعمیراتی که به وسیله مردم صورت گرفته، اداره باستانشناسی فارس هم «خدايخانه» و چند سردر آنرا بطرز بسیار زیبایی تعمیر و مرمت کرده و کاشی کاری آنها را تکمیل نموده است که از آنجمله است سردر غربی (سردر یزدی بندی) و ساختمان ایوان و سردر جنوبی و هنوز هم این تعمیرات و مرمت ها، چه از طرف اداره باستانشناسی و چه از طرف مردم ادامه دارد.

در این تعمیرات عده بیشماری مسلمانان با ایمان و مؤمنین پاك نهاد شرکت کرده و اعانه داده اند که چون برای تظاهر و ریا نبوده، مایل نیستند که نامشان ذکر شود و لذا ما هم به تبعیت از میل آنها، از ذکر نامشان خودداری کردیم. خداوند بهمه آنها پاداش نيك عطا فرماید.

خداایخانه یا دارالمصحف

در وسط حیاط مسجد جامع عتیق اطاق مکعب شکلی است که
 کرسی آن قریب یکمتر از کف صحن مسجد مرتفع است و دور تا دور
 آنرا ایوانی بعرض دو متر فرا گرفته و «خداایخانه» و «دارالمصحف»
 و «بیت المصحف» و «خداخانه» نامیده میشود.



در چهار گوشه این بنا چهار ستون مدور هناره مانند است و سقف ایوانهای شرقی و غربی آن هریک بوسیله چهارستون و ایوانهای شمالی و جنوبی آن هریک بوسیله دو ستون سنگی پایدار است .
ابعاد عمارت مزبور با ایوانها عبارتند از ۱۲ در ۱۰ متر و ابعاد اطاق وسط ۸ در ۶ متر میباشد .

بنای این عمارت سنگی در سال ۷۵۲ هجری قمری بوسیله « شاه شیخ ابواسحاق اینجو » پادشاه فارس صورت گرفته است و گویا دو طبقه بوده است . (۱)

۱- از قرائن چنین استنباط میشود که پیش از ساختمان کنونی ، اطاقی بنام « دارالمصحف » در محل خدایخانه فعلی بوده است ولی « شاه شیخ ابواسحاق » آنرا بدینصورت در آورده است بدلائل زیر :

اول - مؤلف کتاب « شدالازار » در صفحه ۳۸۸ (چاپ تهران - ۱۳۳۸ شمسی) در ضمن شرح حال « مولانا سعدالدین احمد الفارسی » نوشته است که :

« .. یدرس فی القصة العامرة بین الجامع العتیق ... »

و از این عبارت چنین مستفاد میشود که « وسط مسجد » (یعنی در محل فعلی خدایخانه) اطاقی بوده که دیوارهای آن مشبك بوده (مانند قفس) و تصور میرود که اطاقی بوده که سنگهای مشبك در اطراف آن کار گذاشته بودند تا جریان هوا را تسهیل کند ، چنانکه اکنون هم دو طرف آن سنگهای مشبك وجود دارد .

اگرچه در ضمن شرح حال « مولانا سعدالدین احمد الفارسی » تاریخ تولد و وفات او قید نشده ولی چون نوشته شده است که :

« ... و كان مولانا السعيد مجدالدین اسماعیل يكرمہ اکراماً

عظیماً ... »

بقیه ذیل صفحه بعد

در کتاب «شدالازار» نوشته شده است که :

«... در این مسجد (جامع عتیق) دارالمصاحفی است که در آن قرآنهای کاملی است (۱) و بعضی از آنها بخطوط صحابه پیغمبر (ص) و تابعین است و مخصوصاً قرآنهایی بخط «امیر المؤمنین علی و حسین و علی ابن الحسین و جعفر» (علیهم السلام) و غیر ایشان میباشد و در

بقیه پاورقی صفحه قبل

و سال وفات مجدالدین اسماعیل که معاصر او بوده سال ۶۶۶ ه. ق بوده و این تاریخ پیش از سال ۷۵۲ میباشد که شاه شیخ ابواسحاق خدایخانه را ساخته است .

دوم - در پشت یکی از سی پاره‌هایی که پیش از زمان شاه شیخ ابواسحاق یعنی (سال ۵۶۸ ه. ق) وقف شده تصریح گردیده که در «بیت المصحف» گذارده شود و گراور عین آن وقف نامه و نمونه سی پاره مزبور بعداً چاپ میگردد .

پس باین دلائل ثابت میشود که پیش از اینکه شاه شیخ ابواسحاق خدایخانه فعلی را بسازد اطاقی (و یا بقول صاحب شدالازار قفسی) بنام «دارالمصحف» در وسط حیاط جامع عتیق شیراز وجود داشته است .

۱- در ترجمه‌ایکه از طرف «عیسی بن جفید» (فرزند مؤلف شدالازار) از کتاب مزبور صورت گرفته و بنام «هزار هزار» از طرف کتابفروشی احمدی و جهان نما در شیراز چاپ شده است نام این دارالمصاحف را «قبر عثمان» و در نسخه خطی همین ترجمه که نزد حضرت حجة الاسلام آقای حاج شیخ ضیاءالدین ، ابن یوسف حدائق است نام آنرا «دفتر عثمان» ذکر شده است و علت اینکه این دارالمصاحف را به «عثمان» نسبت داده‌اند این است که گویا قرآنی را که بوسیله «عثمان بن عفان» (خلیفه سوم) نوشته شده بوده و هنگام قتل او اثر خون وی بر کلمه «فبیکم یحکم الله» بوده ، در اینجا نگهداری میشده است .

آنجا مصحفی بخط امیرالمؤمنین «عثمان» وجود داشته که بر آن اثر کمی از خون وی بوده است و در ایام انقلاب و آشوب از دست رفته و از آن خبری نیست (۱) و این مسجد هیچگاه از اولیاء خدا خالی نیست و دعای در آن، امید اجابت دارد.



یکی از مناره های چهار گانه خدایخانه

صاحب فارسنامه ناصری در این باره چنین نوشته است :

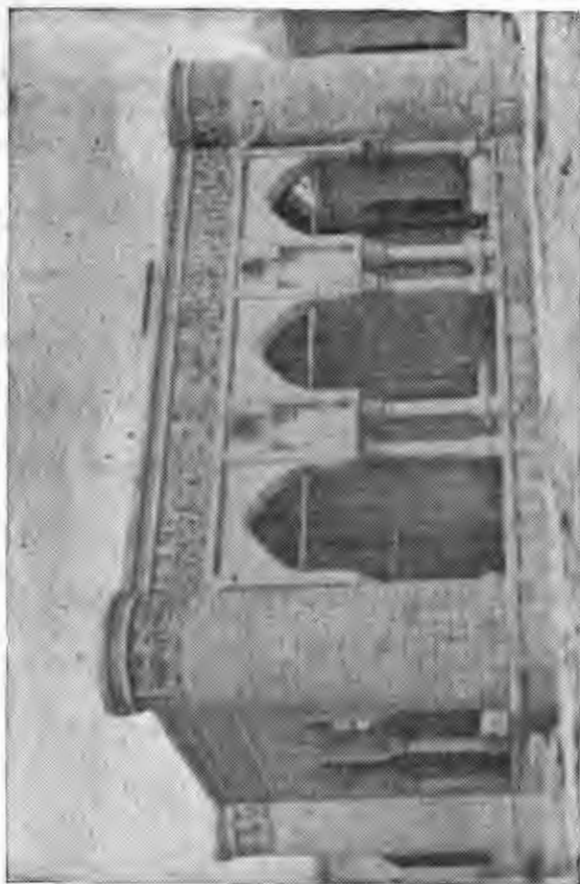
«... در میان محسن این مسجد عمارتی از سنگهای تراشیده مرغوب

۲- حضرت آقای حاج ابن یوسف فرمودند که تیمسار سر لشکر محمد حسین میرزا «فیروز» نقل نمودند که چنین قرآنی را در موزه «لنن گراد» مشاهده کرده است و آقای جلال الدین پیرزاده که مدتی متصدی تعمیرات ابنیه تاریخی بودند و نام ایشان در جای دیگر هم ذکر شده فرمودند که در حدود سال ۱۳۲۲ شمسی دو نفر از باستان شناسان روسی که بایران مسافرت کرده بودند بشیراز آمدند و هنگام بازدید خدایخانه و صحبت از قرآن مزبور گفتند که چنین قرآنی که اثر خون عثمان بر صفحه ای از آن میباشد در موزه «بهارا» موجود است.

و کج خالص ساخته، دوره آنرا بستمونهای سنگی و چهار ایوان ساخته‌اند و در میان ایوانها حجره‌ای و بر دیوارهای داخلی آن حجره و پیشانی داخلی ایوانها آیات قرآنی و احادیث نبوی بخط خوش نویسان نگاشته‌اند (۱) و در پیشانی خارجی ایوانها، سنگهای دو ذری، بیشتر یا کمتر، کتیبه کرده و در صفحه آنها نقاری نموده و سوره‌های قرآنی را کنج‌نایده‌اند (۲) فرجه‌های آنرا بکاشی سبز پر کرده‌اند و نام این عمارت «بیت المصحف» است که چندین قرآن در آن گذاشته - هر روزه صبحها جماعتی از مسلمانان حاضر گشته، مجمعی ساخته، هر يك قدری از آنرا خوانده، بازقرآن آنها در بیت المصحف می‌گذاشتند و بانی این عمارت بیت المصحف پادشاه زمان «شیخ ابواسحاق پسر شاه محمود انجوی» پادشاه مملکت فارس است (۳) در سال هفتصد و پنجاه و دو باتمام رسانید.

- ۱- اکنون از این نوشته‌های داخل حجره و پیشانی داخل ایوانها اثری نیست
 - ۲- کتیبه مزبور سوره‌های قرآنی نبوده و ما بعد امتن آنرا نقل خواهیم کرد.
 - ۳- جمال‌الدین شاه شیخ ابواسحاق انجوی در سال ۷۴۳ ه. ق پس از منازعات چندی بسلطنت رسید و مدتی در شیراز بخوشی و کامرانی گذرانید و بعیش و نوش مشغول گردید. امیر مبارزالدین در سال ۷۵۳ شیراز را محاصره کرد و سال بعد وارد شیراز شد و شاه شیخ ابواسحاق متواری گردید و هاقبت در سال ۷۵۸ گرفتار و مقتول شد.
- حافظ که معاصر وی بوده در چند جا اشاره باین پادشاه کرده است چنانکه گوید:

بمهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد
بقیه باورقی ذیل صفحه بعد



نمای غربی خدایخانه

بقیه باورقی صفحه قبل

و همچنین :

راستی خاتم فیروزه بواسعاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

گویند چون خواستند او را بکشند آیندو رباهی را گفت :

افسوس که مرغ عمر را دانه نماند و امید بهیچ خویش و بیگانه نماند

دردا و دریا که در این مدت عمر از هر چه بگفتیم جز افسانه نماند

ایضاً

با چرخ ستیزه کار مستیزو برو با گردش دهر در میاویز و برو
یک کاسه زهر است که مرگش خوانند خوش درکش و جرعه بر جهان ریز و برو!

در کتاب آثار عجم نوشته شده است که :

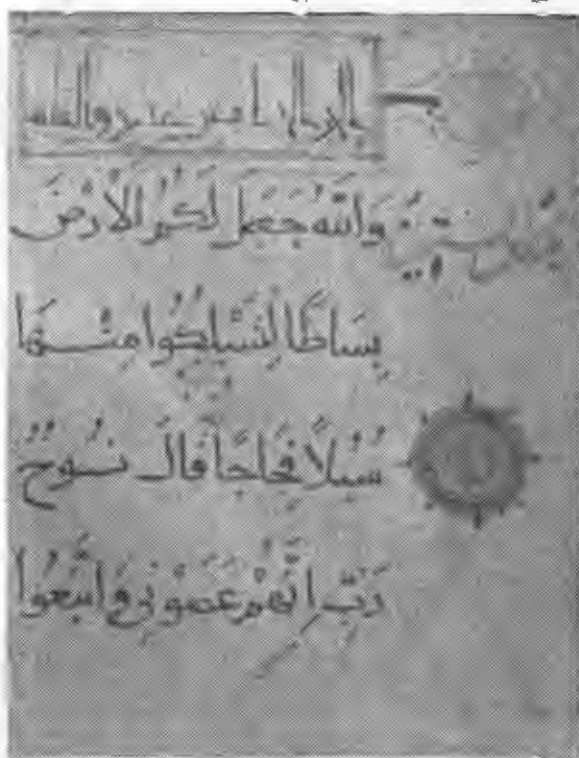
« ... در میان مسجد نیز عمارتی است مربع که دو طبقه بوده . در آن خطوط بسیار بر احجار ، استادان صاحب فن نقش کرده اند که مطرح انظار خطاطان روزگار است . گویند در آنجا مصاحف بسیار از خطوط صحابه و تابعین بوده - و قرآنی بخط مبارك حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و دیگری بخط حضرت امام حسن و دیگری بخط سید سجاد و دیگری بخط حضرت صادق علیهم السلام و دیگری بخط عثمان که بر آن اثر خون او بوده و آن مصاحف بواسطه فتن و آشوب از منہ از میان رفته و این فقیر مؤلف (فرصت الدوله) سه سال قبل بچشم خود دیدم که جائی از مسجد بواسطه بارندگی زیاد فرود آمد - از روزنه چندین جلد قرآن بطریق سی پاره بخط جلی ، بعضی باطلای اشرفی نوشته شده بود فروریخت - همه او را قش بوسیده و خطوطش پوشیده ... » (۱)

۱- از این سی پاره ها در حال حاضر دو جلد نزد حضرت حجة الاسلام آقای حاج ابن یوسف حداق ادام الله بقائه میباشد .

سی پاره اولی بقطع کوچک است (۱۰ ر۵ در ۱۲ ر۵ سانتیمتر) و شخصی بنام « محمد بن عثمان بن داود » آنرا در سال ۵۶۸ هجری قمری وقف « بیت المصاحف » مسجد جامع شیراز نموده است . عین نوشته پشت این سی پاره چنین است :

وقف هذا الجزء مع تمامه العبد الضعیف الفقیر الی رحمة الله تعالی محمد بن عثمان بن داود علی جماعة المسلمين ليقراء منه علی المسجد - الجامع بشیراز وقفاً مؤبداً مخلصاً لا یباع ولا یورث ولا یوهب
(بقیه ذیل صفحه بعد)

بقیه پاورقی صفحه قبل
ولا یملك ولا یر لیكون موضوعاً فی ((البیت المصاحف))



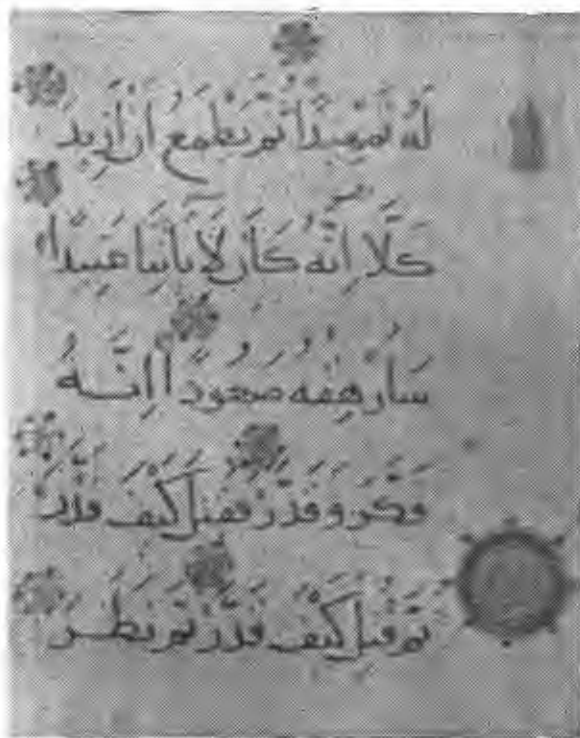
صفحه ای از سی پاره اولی

بشیراز عمرها الله فمن غیره او بدله فعلیه لعنة الله و الملائكة
والناس اجمعین وذلك فی صفر سنة ثمان و ستین و خمس مائة
دیگری که بقطع بزرگ است (۳۳ و ۵ در ۲۴ سانتیمتر) شعبی بنام
« نورالدین محمد کمال » در سال ۸۱۳ ه . ق وقف برجامع عتیق شیراز
کرده است .

بقیه پاورقی در صفحه بعد

بقیه پاورقی صفحه قبل

این سی پاره با خطی بسیار هالی نوشته شده و در هر صفحه ای سه سطر



صفحه دیگری از سی پاره اولی

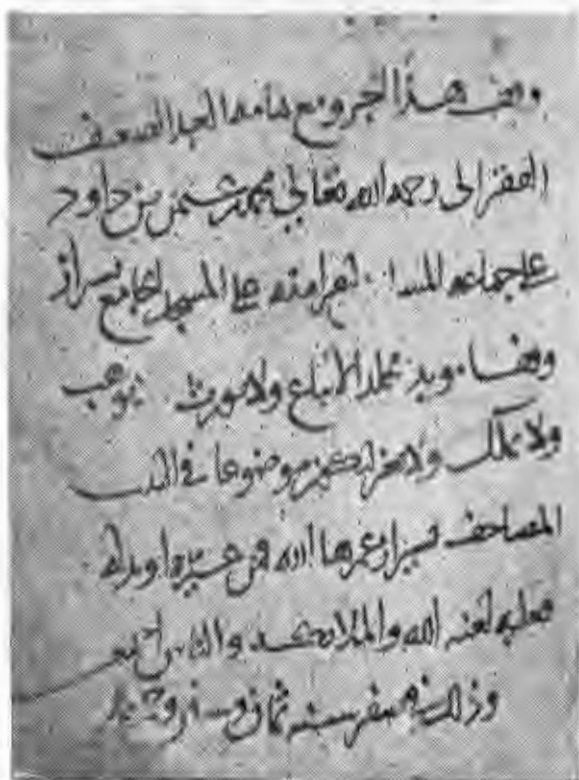
بوسیله قلم درشت و باطلای اشرفی نوشته شده و سرسوره ها و بین آیها نیز تذهیب شده است .

عین نوشته واقف که بر پشت این سی پاره است چنین است :

« بنده ضعیف نورالدین محمد کمال ، احسن الله عواقب اموره
فی الدارين این جزو از قرآن مجید بایست و نه جزو دیگر وقف کرد
برجامع عتیق به دارالملک شیراز تقبل الله منه فی شهر سنه ثلاث عشر
و ثمان مائه هجره نبویه . »
بقیه در صفحه بعد

ذنباله پاورقی صفحه قبل

در کتابخانه ملی فارس نیز دو جلد سی پاره موجود است که پشت آن قید شده است که وقف جامع عتیق شیراز میباشد .

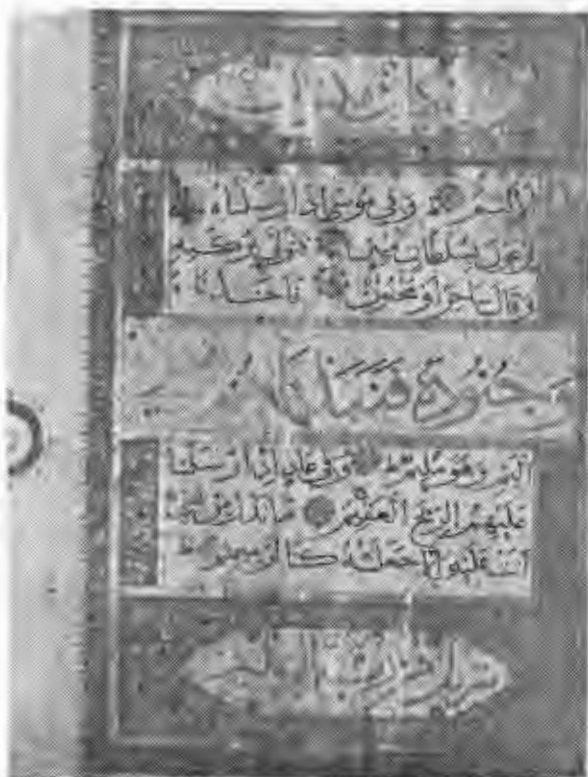


عین وقف نامه سی پاره اولی

یکی از آنها نظیر سی پاره اولی است که محمد بن عثمان بن داود در سنه ۵۶۸ هجری قمری وقف کرده است و همان عبارت ذکر شده هم بر پشت آن نگاشته است و تحت شماره ۵۹۸-۲۹۷۱ ثبت شده است .
دیگری جزوی از قرآن است که محمد حسین دباغ در سال ۱۲۰۸ ه . ق بقیه حاشیه در صفحه بعد

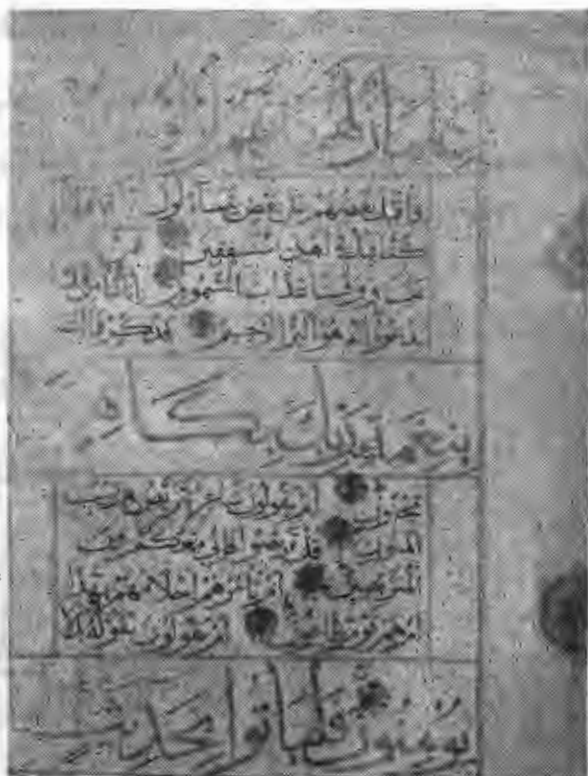
بقیه حاشیه از صفحه قبل
وقف جامع عتیق شیراز کرده است و ثعت شماره ۲۸۹-۲۹۷ نگاهداری
میگردد و معلوم میشود که تا سال ۱۲۰۸ مسجد جامع عتیق رونق و اعتبار
داشته است .

در موزه پارس شیراز نیز سه جزوه قرآن نظیر سی پاره دومی آقای



صفحه ای از سی پاره دومی

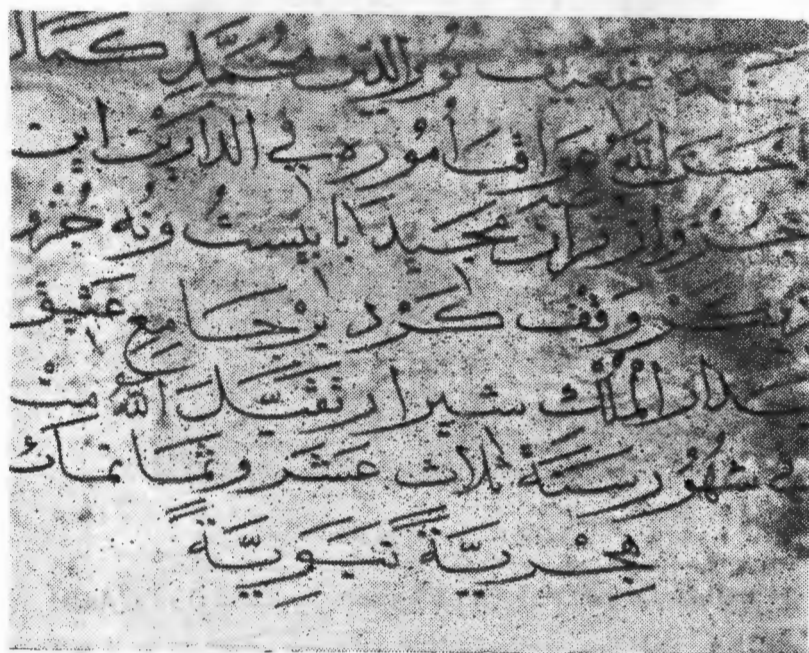
خاج ابن یوسف موجود است که نوشته وقفنامه پشت یکی از آنها همین همان
عبارتی است که نقل شد ولی نوشته پشت دوجزو دیگر بهینسان میباشد :
وقف کرد وقفی مخلص و مصدقی موبد صاحب اعظم اکرم
بقیه ذیل صفحه بعد



صفحه دیگری از سی پاره دومی

افتخار و زراء عالم نور اخلاق اکابر بنی آدم الموصوف بالخیرات
 الجاریه المشعوف بالمبرات العالیه خواجه نور الحق و الدین
 محمد ابن صاحب الاعظم السعید الاقدم الشهید خواجه کمال -
 الحق و الدین لطف الله اعلى الله تعالى شانه و اسبغ علیه فضله و اعانه
 این جزو از کتاب منیر مع تمام آخر الثلثین بر مسجد عتیق شیراز جفت
 به الامراز بشرط آنک از این مسجد مبارک و محل متبرک بدر نبرند و هم در
 بقیه در صفحه بعد

همانطوریکه مسجد جامع از زلزله و گذشت زمان رو برانی نهاده بود، خدایخانه نیز از خرابی و انهدام مصون نمانده بود مخصوصاً کتیبه اطراف آن که بخط ثلث بر روی سنگهای یکپارچه نگاشته شده و بین کلمات و خطوط مزبور نقاری کرده و سپس با کاشیهای معرق آنرا پر کرده بودند، باستثنای قسمتهای متفرقی از آن، بقیه ریخته و معلوم نبود



عین وقف نامه سی پاره دومی

بقیه حاشیه صفحه قبل

این مسجد از این جزو و سایر اجزاء بتلاوت قرآن و قراة فرقان قیام نمایند
تقبل الله حسناته و وقفه به رضاته فی شهر رمضان المبارک ثلاث
عشر فثمان مائة»

که چیست؟ (۱)

از سال ۱۳۱۵ شمسی اداره باستانشناسی تصمیم گرفت که خدایخانه را مرمت کند و آنرا بصورت اولیه درآورد. از اینرو مرحوم سرلشکر علی ریاضی رئیس آنموقع فرهنگ فارس که بآثار باستانی علاقه وافری داشت باکمک و مساعدت دانشمند محترم آقای علی سامی رئیس سابق اداره آثار باستانی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید که خدمات گرانبهای در راه احیاء آثار باستانی و تکلیا و بقاع شیراز و فارس انجام داده است، دور خدایخانه را حصار کشید و هر چه سنگهای شکسته و کتیبه های مختلف در داخل و خارج از خدای خانه ریخته و پراکنده بود در یکی از شبستانهای مسجد گرد آوردند و با تحمل زحمات بسیار و دقت وافر شروع بخواندن آنها نمودند ولی چون بسیاری از خطوط و کلمات آن مفقود شده بود، تلفیق و تنظیم آن خیلی مشکل بود تا عاقبت فاضل ارجمند آقای محمد جعفر واجد (۲) که از شعرای معروف معاصر میباشند بادقت نظر و حوصله زیاد توانست کتیبه مزبور را تکمیل کند و کلمات ریخته شده را از روی قرینه بقیه خطوط باقیمانده پیدا کند و کاتب هنرمند آقای سید آقا بزرگ نسابه هم بهمان سبک قدیم آنها را نوشت و آنرا دور تا دور خدایخانه نصب نمودند.

۱- سنگ نوشته مزبور که ارتفاعش قریب یکمتر است و از بهترین نوع خود میباشد با خط ثلث عالی بوسیله یحیی جمالی نویسنده معروف نوشته شده است

۲- آقای محمد جعفر واجد از فضلاء و دانشمندان و شعراء معروف معاصر است بقیه در ذیل صفحه بعد

اینک عین کتیبه تاریخی و مهم مزبور را در اینجادرج مینماید و توضیح میدهد که کلماتیکه زیر آنها خطوط است آنهایی است که از نوشته قدیم باقی بوده و بقیه کلماتی است که آقای واجد یافته و تلفیق کرده اند. بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي خلق الارض والسموات فی احسن البدایع واللطائف وفضل بنی نوع الانسان علی کثیر من

بقیه حاشیه صفحه قبل

که مدنیه است در فرهنگ بتدریس ادبیات فارسی و عربی اشتغال دارند . آقای واجد در ادبیات فارسی و عربی تبحر کامل دارند و مخصوصاً شعر را بسبب قدماء خیلی محکم و پخته و استادانه میسرانند . فصاحت و بلاغت ، انسجام کلمات و داشتن مضامین عالی عرفانی و نکات باریک و لطیف از خصوصیات

اشعار آقای واجد است و بهمین جهت است که بقول استاد سخن سعدی « رقعۀ اشعارش را چون کاغذ زر فیبر ندود در محافل ادبی نقل مجالس است »

آقای واجد با اینهمه فضائل و کمالات مردی است متواضع و دانا و حسن خلق - متدین و متقی ، رفیق شفیق و دوست صادق .

برای شرح مفصل ایشان مراجعه

شود به منابع زیر:

۱- کتاب دانشمندان و سخن -

سرایان فارس جلد چهارم

۲- کتاب شهر شیراز باخال رخ هفت کشور تألیف نگارنده

۳- کتاب شیراز در گذشته و حال تألیف آقای امداد

۴- تاریخ و جغرافیای برازجان تألیف آقای فراشبندی .



آقای محمد جعفر واجد

خلقه بشرف العلوم والمعارف ثم بعث منهم الانبياء والمرسلين برحمته
 الواسعة الكاملة والطافة الظاهرة الشاملة وجعل في الارض خلائف
 وافاض بمكانتهم على الخلائق انواع العوارف و وفق المقتدين
 بسنتهم لتأسيس المساجد و بيوت المصاحف و اشرف المقتفين لسنتهم
 لاعلاء معالم الدين و ايد المهتدين الى سبيلهم في احياء مـراسم
 اليقين و اسعد المطيعين لامرهم في اقامة الاقضية والاحكام وازاحة
 الشبهات والاهوام و سد المتبعين بطريقهم في تنقيح الكلام و تصحيح
 عقائد الانام الذي ختم النبوة والرسالة بالنبي العربي القرشي
 محمد الهاشمي صلوات الله عليه وآله واصحابه و بعد فان الله امر
 بتعظيم المساجد و عمارتها و قال في كتابه في بيوت اذن الله ان
 ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو والاصال و قد رفع
 هذا البيت المتطهر بتوفيق الملك المقدر السلطان العادل القاهر
 جمال الدين والدنيا والملة ابو اسحاق بن شرف الدين محمود شاه
 بلغه الله نهاية آماله و خوله ما يتمناه بعميم افضاله و يرض غيرة
 احواله بجسيم نواله و احسن اليه بدوام عزه و جلاله و تقبله من
 حسنات اعماله و جعله ذخيرة ليوم جزائه و اعطاه ما يريد و يتمناه
 و آتاه اجرآ جزيلآ و اولاه ثوابآ جميلا و يجازيه بالرحمة و الغفران
 و يكفيه بالنعو و الاحسان و وفاه الجزاء الاوفى و اعد له الدرجات
 العلى و احسن اليه بالكرامة و الحسنى و شرفه بالقرب و الزلفى
 و يسره لليسرى و ايده في الدنيا و اسماء في الاولى و انا له ما يرضاه
 في الاخرى في حجة اثنتين و خمسين و سبعمائه الهلالية الموافق
 لسنة الجمالية حامدآ و مصليا - ٧٥٢ .

بطوریکه آقای
 واجد اظهار داشتند
 ضمن سنگ پاره ها
 قطعه سنگی بوده که
 روی آن نوشته شده بود
 « کعبه یحیی الجمالی
 الصوفی » و ثابت
 میکرد که کتیبه فوق
 بخط « یحیی جمالی »
 است و این یحیی جمالی
 از خوشنویسان معروف
 آن دوره است که
 قرآنهاوسی پاره های
 خط او اکنون در
 « موزه پارس » موجود
 است .

بالاخره در ظرف ده سال
 باکوشش اداره باستان
 شناسی (۱) و زحمات

پاورقی در صفحه بعد



نمونه کتیبه معروف اطراف خدایخانه

آقای واجد و آقای نسابه، خدایخانه بصورت اولیه و طرز آبرومندی تعمیر و مرمت شد و کتیبه فوق الذکر در اطراف خارجی خدایخانه و دوازده کتبه دیگر از آیات قرآنی و غیرها بهمان سبک خط یحیی جمالی بانتخاب آقای واجد و خط آقای نسابه تهیه و اطراف بیت المصحف (در ایوانها) نصب گردید.

از این دوازده کتیبه شش عدد بزرگ و شش عدد کوچک است بشرح زیر:
در ایوان شمالی دارالمصحف - در این ایوان، در ورودی خدایخانه قرار دارد که گراور آنرا مشاهده میفرمائید. بالای این در سه کتیبه است. یکی بزرگ و دو کوچک.

متن کتیبه بزرگ که شامل تاریخ تعمیر و مرمت اخیر است بقرار زیر میباشد:

« بسمه تعالی . هنگام سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تعمیر و تجدید ساختمان بیت المصحف که بتوسط وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۵ آغاز گردیده بود با هنرمندی استادان فن انجام و اتمام پذیرفت .

تلفیق کننده کتیبه : محمد جعفر واجد - کاتب : سید آقا بزرگ نسابه
معمار : استاد عزیز صرافت - حجار : میرزا رحیم صمیم - کاشیکار :

باورقی صفحه قبل

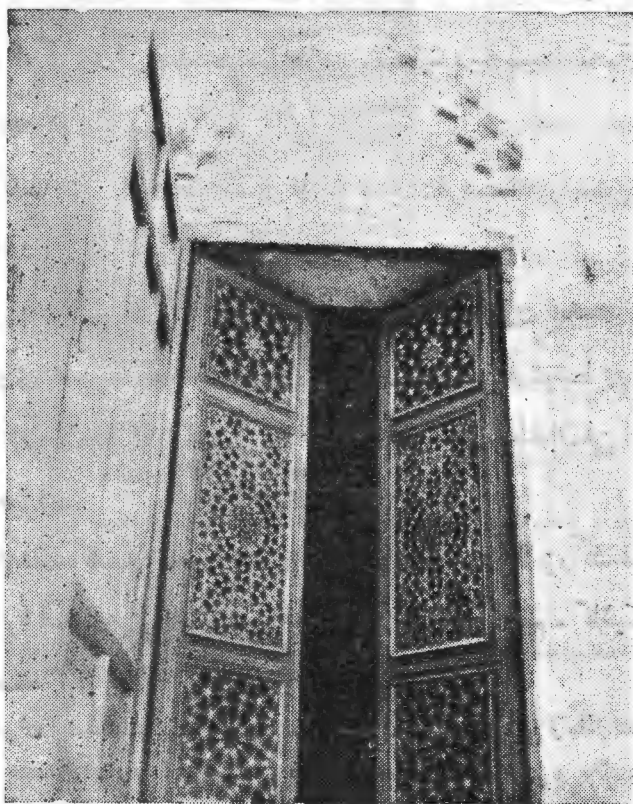
۱- در عرض این مدت بترتیب آقایان : علی سامی - فریدون توالی و جلال الدین پیرزاده متعهدی اداره باستانشناسی فارس بوده اند که کوشش و علاقمندی آنها در ساختن کتیبه های خدایخانه و نصب آنها و مرمت طاقها و سردرها و تعمیر سایر ابنیه تاریخی شایان تمجید و تقدیر بسیار است .

سید هاشم سنه ۱۳۲۶ شمسی - ۱۳۶۶ هجری

در جز طرفین این در ، شعری را سابقاً بر روی سنگ نقر کرده اند
ان آثارنا تدل علینا فانظروا بعدنا الی الآثار
واذکروا کنا بنعت الخیر فی دعاء العشی والابکار

کتیبه پیر محمد

در همین قسمت سنگی است که کتیبه ای با خط ثلث بسیار عالی بر روی آن
نقر شده است ولی متأسفانه ناقص است و قسمت آخر آن از بین رفته است .



در منبت کاری خود بخانه در ایوان شمالی که از لحاظ هنری اهمیت دارد .

عين كتيبه مزبور كه با كمك آقاى واجد خوانده شده است بشرح
زير ميباشد :

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله و سلام على عباده الذين
الصفا خصوصاً على اشرف الرسل و قدوة الاصفيا محمد و آله -
الطيبين و صحابه و الذين اتبعوا هم باحسان الى يوم الدين و بعد
بنا بر امثال فرمان واجب الاذعان ان الله يأمر بالعدل و الاحسان
در اين ايام خجسته فرجام كه از اوضاع روى زمين طبق ان الارض
لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين منافع معدلت و انصاف
و مساوى جور و اسراف بر جليه احوال و خاتمه اعمال سلاطين
بعين اليقين مشاهده ميرود و حراست مملكت فارس و اطراف حفت
بالالاء و اعطاف از تقدير حكمت تأثير الهى در المستظهر
بعنايت الملك

درايوان شرقى - در اين ايوان يك پنجره سنگى قرار دارد و بالاي
آن دو كتيبه بزرگ و يك كتيبه كوچك است . متن دو كتيبه بزرگ
چنين است :

۱- يعلم ما يلج فى الارض و ما يخرج منها و ما ينزل من السماء
و ما يعرج فيها و هو معكم اينما كنتم و الله بما تعملون بصير -
له ملك السموات و الارض و الى الله ترجع الامور .

۲- هو الذى انزل عليك الكتاب منه آيات محكمات هن ام الكتاب
و اخر متشابهات فاما الذين فى قلوبهم زيغ فيتبعون منه ما تشابه
منه ابتغاء الفتنة و تأويله و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون فى العلم
يقولون آمنا به كل من عند ربنا و ما يذكر الا اولو الالباب .

درايوان جنوبى - در اين ايوان در ورودى ديكريت المصحف است
و بالاي آن يك كتيبه بزرگ و دو كتيبه كوچك است . متن كتيبه بزرگ

سوره مبارکه « انا انزلناه فی لیلة القدر ... » میباشد .

در ایوان غربی . در این ایوان يك پنجره سنگی و در گلدسته سابق است که فعلاً پله ایست که به پشت بام خدایخانه میرود و بالای آن دو کتیبه بزرگ و يك کتیبه کوچک است . متن دو کتیبه بزرگ آن چنین است :

۱ - الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب ولم يجعل له عوجاً
قیماً لينذر بأساً شديداً من لدنه و يبشر المؤمنين الذین يعملون
الصالحات ان لهم اجرآ حسناً ما کثیر فيه ابدآ و ينذر الذین قالوا
تخذ الله ولداً .

۲ - قال الله تعالى ان الله و ملائکته يصلون علی النبی یا ایها
الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیماً - اللهم صل علی محمد و
آل محمد و عجل فرجهم و فرجنا بهم .
شش کتیبه کوچک ، آیات کوچک قرآنی است .

کتباخانه مسجد جامع عتیق

پس از اینکه تعمیرات خدایخانه اتمام پذیرفت ، در نظر گرفته شد که در محل خدایخانه کتابخانه‌ای تأسیس شود .

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی بتشویق آقای حاج دستغیب و کمکهای آقای علی سامی رئیس اداره باستانشناسی فارس ، آقای منوچهر تفنگدار که جوانی بالیمان و دانش پژوه است تأسیس و تنظیم کتابخانه مزبور را عهده دار شدند و در عرض این مدت ، با کوشش بسیار و علاقمندی فراوانی که بخرج دادند ، وزارت فرهنگ ، دانشگاه تهران و جمعی از دانشمندان و مؤلفین مخصوصاً جناب آقای علی اصغر حکمت استاد بلند پایه دانشگاه تهران کتب بسیاری را بکتابخانه مزبور اهداء کرده اند بطوریکه هم اکنون متجاوز از یک هزار جلد کتب دینی ، علمی ، تاریخی و ادبی در آنجا گرد آمده و مورد استفاده عمومی است .

پیشنهادهای

با اینکه در عرض این مدت ، مخارج زیادی برای تعمیرات مسجد جمعه صورت گرفته و اکنون بصورت آباد و آبرومندی درآمده ولی بمضمون :

بناهای آباد گردد خراب ز باران و از تابش آفتاب
یقیناً پس از مدتی محتاج تعمیر و مرمت خواهد گردید و باید این تعمیرات مستمر و دائمی ، ادامه داشته باشد .

روزی که « عمرولیت » این مسجد را ساخت برای اینگونه مخارج و تعمیرات مداوم آن رقباتی وقف کرد که متأسفانه اکنون از آنها اثری نیست !

چقدر خوب و شایسته است که مسلمانان متمکن و مؤمنین خیراندیش و آنهاست که امید آمرزش از درگاه حضرت احدیت دارند ، رقبات و یا مستغلاتی را وقف بر این مسجد شریف نمایند تا عوائد آن تحت نظر امام مسجد ، بمصرف تعمیرات لازمه آن برسد و باین ترتیب این مسجد بار دیگر بصورت ویرانی و خرابی نیفتد .

البته پروردگار بزرگ در دنیا و آخرت اجر جزیل بایشان عطا خواهد کرد که فرموده است :

« فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ . »

خاتمه

هم اکنون اداره باستانشناسی فارس و هیئت مأمور تکمیل شبستان بزرگ و سایر مسلمانان نیکو کار مشغول تکمیل تعمیرات شبستانها و طاقها و سردرها و صحن این مسجد بزرگ و قدیمی میباشند و امید است که بهمت اداره باستانشناسی و فتوت مردان نیک نهاد و کوشش حضرت آیت الله آقای حاج دستغیب تعمیرات آن از هر حیث کامل گردد و این مسجد بزرگ و مهم قدیمی بصورت اولیه در آید .

در پایان لازم است که از زحمات و خدمات بیشایبه و پیراج و مؤثر آقایان زیر :

- ۱- آیت الله فقیه مرحوم حاج شیخ یوسف حدائق اعلمی الله مقامه
- ۲- حجة الاسلام و المسلمین حضرت آقای سید عبدالحسین دستغیب ادام الله بقاءه .
- ۳- آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل محترم سابق اداره باستانشناسی ایران .
- ۴- مرحوم سر لشکر علی ریاضی رئیس اسبق فرهنگ فارس
- ۵- دانشمند محترم آقای محمد جعفر واجد
- ۶- آقای علی سامی رئیس سابق اداره باستانشناسی فارس و بنکاه علمی تخت جمشید و پاسارگاد (۱)

۱- آقای علی سامی فرزند آقای بزرگ سامی از دانشمندان و نویسندگان و محققین معاصر است که پس از مدتی خدمت در فرهنگ بریاست اداره بقیه در صفحه بعد

بقیه پاورقی صفحه قبل

باستانشناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید و بازار گاد منصوب گردید و متجاوز از بیست سال چه در قسمت کاوش‌های علمی و تحقیقات باستانشناسی و چه در تعمیر و مرمت تکایا و آثار باستانی خدمات ذبیتی انجام داده است که از آنجمله است کاوش‌های مهم در تخت جمشید و بازار گاد - ساختن آرامگاه حافظ - تعمیر و مرمت مسجد جامع عتیق و مدرسه خان - تعمیر و مرمت تکایا و آرامگاههای بزرگان و عرفای شیراز که شرح آنها در دو کتاب گزارش‌های باستانشناسی مجلد دوم و چهارم مندرج است .



آقای علی سامی

آقای سامی در غالبی از مجامع و انجمنهای علمی و ادبی شیراز عضویت دارند و مؤسس و دبیر انجمن «کانون دانش فارس» است و در دانشکده ادبیات شیراز رشته باستانشناسی را تدریس میکنند .

آقای سامی صاحب تألیفات متعددی است که معروف‌ترین آنها عبارتند از :
۱- گزارش‌های باستانشناسی ۲ جلد
۲- تاریخ پیدایش خط و تحول آن
۳- آثار باستانی جلگه مرودشت
۴- پاسارگاد بزبان فارسی و انگلیسی ۲ جلد

۵- تخت جمشید بزبان فارسی و انگلیسی ۲ جلد

۶- شیراز < < < ۲ جلد

برای شرح حال مفصل ایشان رجوع شود به :

۱- دانشمندان و سخن‌سرایان فارس جلد سوم

۲- شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور تألیف نگارنده

۳- شیراز در گذشته و حال تألیف آقای امداد

۴- شیراز امروز تألیف آقای مدرس صادقی

۷- آقای فریدون توللی رئیس گنونی اداره باستانشناسی فارس (۱)

۱- آقای فریدون توللی فرزند علیدرویان میرزا جلال خان توللی از دانشمندان بنام و نویسندگان زبردست و شعراء خوش قریحه معاصر است که در نظم و نثر از خود استادی و مهارت بروز داده است.

آقای توللی با قریحه تاینک و ذوق سرشار خویش با حفظ اصول قدیمی شعر کلاسیک و سبک بدیعی در شعر نو با مضامین تازه و بدیع بوجود آورده و مبتکر سبک نوینی گردیده که مورد توجه ادباء و فضلا، کشور قرار گرفته است.



آقای فریدون توللی

آقای توللی در جرائد و مجلات شیراز و تهران مقالات سیاسی و انتقادی و علمی و ادبی زیادی و قطعات اشعار گوناگون بسیاری نگاشته و چند کتاب هم تألیف کرده است که معروفترین آنها «رها» در نظم و «التفصیل» بقیه ذیل صفحه بعد



۸- آقای جلال -

الدین پیرزاده متصدی
سابق تعمیرات ابنیه
تاریخی فارس (۱)

۹- آقایان بزرگ

نسابه ، رحیم مصمیم ،
عزیز صرافت و سید
هاشم حیدری هنرمندان
معروف

۱۰- مؤمنین و

مسلمانانیکه در

آقای جلال الدین پیرزاده

بقیه پاورقی صفحه قبل

در نشر است. با اینهمه فضائل و کمالات جوانی است و نگرم و حساس وجدی و لایق
آقای تولی اکنون ریاست اداره باستانشناسی فارس و ریاست بنکاه
علمی تخت جمشید و پاسارگاد را عهده دار است

برای شرح حال مفصل ایشان رجوع شود به منابع زیر:

- ۱- کتاب دانشمندان و سخنوران فارس جلد دوم
- ۲- تذکره شعرای معاصر تألیف سید عبدالعزیز خلخالی جلد اول
- ۳- شیراز یا خال رخ هفت کشور تألیف نگارنده
- ۴- شیراز در گذشته و حال تألیف آقای امداد
- ۵- شیراز امروز تألیف آقای مدرس صادقی

۱ - آقای پیرزاده مردی است شریف و متقی و باایمان و متجاوز از سی
سال بانهایت صمیمیت بفرهنگ خدمت کرده و همیشه مورد تقدیر قرار گرفته
است .

تعمیرات این مسجد شریف باستانی زحمت کشیدم و اعانه داده و کمک کرده و علاقمندی بروز داده‌اند و هنوز هم مساعدت می‌کنند ، تمجید و تحسین و قدردانی نماید .

خداوند بهمه آنها پاداش نيك عطا فرماید و این بنده گناهکار را نیز غریق رحمت خود فرماید .

شیراز . علی نقی - بهروزی

اول دیماه ۱۳۴۰ شمسی = ۱۳ رجب ۱۳۸۱ قمری



انتشار این رساله

یادبود آغاز دهمین سال تأسیس کانون دانش پارس می باشد

با آغاز دیمه همدین سال (۱۳۴۰ شمسی) «کانون دانش پارس» وارد دهمین سال تأسیس خود میشود. این مجمع ادبی و فرهنگی که در دیمه ۱۳۳۱ بهمت و پشتکار چند تن از دانشمندان و ادبا و دانش-پژوهان شیراز تشکیل گردیده است بدون تعطیل در ایام سال هرپانزده روز یکمرتبه در خانه های اعضاء کانون تشکیل و بمباحث علمی و ادبی و تاریخی اوقات میگذرانند. در تابستانها که اعضاء کانون فراغ بال بیشتری دارند هفته ای یکبار این جلسه تشکیل میگردد. و اینک کمال خوشوقتی و سیاسگزاری را دارد که در عرض این مدت نه سال بیماری خداوند تبارک و تعالی توفیق چاپ و انتشار ۱۴ جلد کتاب را نصیب فرموده است و کتاب های دیگری نیز حاضر و آماده برای چاپ دارد که با فراهم شدن وسائل کار و مخارج بتدریج چاپ و منتشر خواهد گردید. گام برجسته و ارزنده دیگری که کانون برداشته است جمع آوری و تنظیم لغات محلی و مصطلح شیراز می باشد که پاره ای از آنها در اثر اختلاط و تحولات و بکار نرفتن بتدریج متروک و مهجور میگردد، این مهم نیز

بهمت و پشتکار همکار ارجمند آقای علی نقی بهروزی انجام گرفته و در دو سال اخیر بیشتر اوقات جلسات کانون به بررسی و تحقیق این لغات مصروف گردیده است از خداوند توفیق چاپ و انتشار آنرا می‌خواهد. اعضای کانون دانش پارس به ترتیب حروف تهجی بدینقرار اند :

۱- آقای محمد حسین استخر نماینده ادوار سابق مجلس شورای ملی و مدیر روزنامه کهن سال استخر

۲- حجة الاسلام آقای حاج شیخ ضیاء الدین ابن یوسف حدائق

۳- آقای حسن امداد رئیس دانشسرای عشائری

۴- آقای محمد مهدی ارژنگ دبیر دبیرستان های شیراز

۵- آقای دکتر ابوتراب بصیری استاد و معاون دانشکده ادبیات شیراز

۶- آقای علی اکبر بصیری رئیس کتابخانه ملی پارس

۷- آقای علی نقی بهروزی دبیر دبیرستان های شیراز

۸- آقای هاشم جاوید و کیل پایه يك دادگستری

۹- آقای احمد حشمت زاده

۱۰- آقای محمد رضا حقیقی استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۱- آقای دکتر اسدالله خاوری استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۲- آقای علی سامی استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۳- آقای حسین فصیحی (شیفته)

۱۴- آقای صدرالدین محلاتی استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۵- آقای دکتر علی محمد مژده استاد دانشکده ادبیات شیراز

- ۱۶- آقای دکتر محمد تقی میر استاد دانشکده پزشکی شیراز
- ۱۷- آقای دکتر نورانی وصال استاد دانشکده ادبیات شیراز
- ۱۸- آقای محمد جعفر واجد دبیر دبیرستان های شیراز
- ۱۹- آقای محمد حسین رکن زاده آدمیت

دانشمند عالیمقام جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشگاه تهران نیز در هر تابستان که بزادگاه خود تشریف میآورند به جلسات کانون دانش ارزش و صفای خاصی می بخشند و اعضای کانون را از اشعار و تحقیقات باارزش خود بهره مند میفرمایند. استاد بزرگوار آقای دکتر لطفعلی صورتگر رئیس دانشکده ادبیات شیراز هرگاه در شیراز باشند و همچنین دانشمند ارجمند آقای سلطانعلی سلطانی ضمن مسافرتهاى خود بشیراز، با حضور در جلسات کانون، یاران و ارادتمندان خود را با بیانات شیرین و اطلاعات عمیقانه و دانشمندانه شان مستفیض و مروهون عواطف خود میفرمایند.

دانشمندان و اساتید و شخصیت های فرهنگی و علمی خارجی و داخلی دیگری نیز در جلسات کانون شرکت جسته اند که ذکر نام آنها موجب اطناب و موضوع رساله دیگری خواهد بود. ولی از ذکر نام یاران ارجمندی چون آقای دکتر شمس الدین نبوی معاون محترم استانداری فارس و آقای غلامرضا دبیران شهر دارارجمند شیراز و همکار دیرین آقای علی اکبر همایونی سرپرست اداره رادیو و انتشارات فارس که از بدو

ورود خود بشیر از با حضور در جلسات کانون دوستان را مستفیض میفرمایند
 نمیتواند خود داری نماید. خداوند همه ذوات ارجمند و یاران را از
 گزند روزگار و چشم زخم بداندیشان و بد خواهان در امان و پناه
 خود نگاهدارد و عاقبت همه را بخیر فرماید و این کانون دانش را سالها
 پایدار و برقرار بدارد.

« کانون دانش پارس »

